

مندرج است بمضمون فوق قرائت گردید) راجعاً - در صورتیکه برق یا حیف یا میل موثر فقدان یا تضییع مرسولات شده باشد. **نایب رئیس** - چون در جزه این ماده رای گرفته شده حالاً که فترت آن خواننده شد در کلیه این ماده بطوریکه قرائت شد موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند ماده مزبوره تصویب و ماده ۴۹ باین مضمون قرائت شد) ماده ۴۹ - ژاندارمری و حکام ولایات و رؤسای فراسورانها و بطور کلی تمام متخذهایی که از طرف وزارت داخله اجازه دارند در حدود اختیاری که بآنها داده شده است مأمور حفظ امنیت شوارع بستی در قلمرو خود هستند هرگاه در بین راه غلامان بست دچار سارقین شده و اشیاء بست توسط مردمان خارج از اداره سرق یا قصب یا غارت شود حکام و رؤسای ژاندارم و فراسورانها اقدامات لازمه برای تعقیب مرتکبین و سارقین بعمل خواهند آورد. **نایب رئیس** - چون ابتداء بلا تکلیف ماده بود حالا قرائت شد و رای گرفته میشود آقایانی که با این ماده بطوریکه خواننده شد موافقت قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. **مخبر کمیسیون** - بقیه مواد قانون بستی راجع بمجازات است که رایبوت آن از کمیسیون عدلیه رسیده است و آقای عدل الدوله مخبر آن کمیسیون هستند.

نایب رئیس - پیشنهادی جمعی از آقایان نامیاند که در این موقع بجای قانون بستی که الان تمییم میکنیم مذاکرات در رفع بجران شود آن پیشنهاد حاضر است و قرائت میشود. (بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - ما اعضاء کنگه ذیل پیشنهاد میکنیم که بواسطه امتداد بجران کابینه و بی تکلیفی مملکت پس از مدتی که امشب مجلس رسمی منتهی گردیده بجای قانون بستی و تلگراف و غیره مذاکره در تعیین تکلیف مملکت و خاتمه بجران بشود.

نظام السلطان محمد حسین خوانساری - محمد حسین استرآبادی - اسدالله چهار سوقی - حسین یزدی - صدرالدوله مبارک محمد افشار سید امین آقا - علی ابهری - اورنگ سقراط السلطنه - اسد آقا محمد حسن اسمعیل سواد کوهی

نایب رئیس - آقای نظام السلطان توضیحی دارید بفرمائید.

نظام السلطان - توضیح در این پیشنهاد محتاج بشرح و بیان نیست فرض این است که تمام قوانین متعلق است بیک صورتیکه با خاص آن موضوع را ملحوظ داشت در این موقع باین بجز اینکه این اندازه طول کشید میخواستیم تقاضا بکنیم که مجلس خاتمه باین بجران بدهد و یک فکری از برای مصالح این مملکت بشاید توضیح دیگری ندارم مقصود این است که اگر واقعاً شخص شاهزاده عین الدوله بایستی کابینه تشکیل بدهد و برای تشکیل کابینه حاضرند زودتر کابینه را

تشکیل بدهند تا بجران خاتمه پیدا کند و بیشتر از این تمویق نیفتد و اگر ایشان ... **نایب رئیس** - این اظهارات داخل در موضوع نیست خوبست بیینیم اگر مجلس صلاح میدانند داخل در این مذاکرات بشویم.

میرزا امینک بنده میخواستم عرض کنم که رفع بجران خیلی لازم است ولی بطوریکه نمایندگان مسیوق هستند الان هیئت رئیسه و آقای رئیس در خارج تشریف دارند و شاهزاده عین الدوله هم بناست تشریف بیاورند و چند نفر نمایندگان دستجات هم حاضر هستند برای اینکه مذاکره اینکار را تمام کنند در این صورت بنده لازم میدانم در اینجا در باب مذاکره شده خوبست چند عاده از قانون بستی که مانده است قرائت شود و این کار را تمام کنیم که بعد قانون دیگر بمجلس بیاید.

نایب رئیس - اگر اجازه بفرمائید رای بگیریم که موافق این پیشنهاد داخل در این مذاکره بشویم یا قانون بستی را تعقیب کنیم - آقایانیکه تصدیق دارند یعنی این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند. (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب فرمودند پس مذاکره در بقیه قانون بستی میشود. (ماده ۵۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۲ - هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۰ و ۴۱ رفتار نماید از یکروز الی پنجاه روز حبس خواهد شد در صورت تکرار تعصیر مجازات ممکن است بیکصدروز بالغ شود.

حاج شیخ محمد حسن گروسوی - در اینجا نوشته شده است هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۰ و ۴۱ رفتار نماید از یکروز الی پنجاه روز حبس خواهد شد بنده عرض میکنم مجازات حدودیست متناسب و مطابق تخلفات از قوانین اگر در واقع یک نوع تخلف از قوانین مناسبت این باشد که ۵۰ روز حبس برای او قرائت شود که دوروز یا ۵ روز یا ده روز حبس برای او مجازات محسوب نمی شود و برعکس اگر متناسب نباشد که برای آن تخلف قانونی یکروز یا دو روز مجازات معین شود آنوقت ۵۰ روز که قرار داده اند یک ظلم فاحشی است لهذا میشود این را حدیثاً برادیم که یکطرفش یکروز و طرف دیگرش ۵۰ روز باشد و در حقیقت ظلم فاحشی است که مجازات را به نظر واگذار کرده باشند و هیچ متناسب یا مجازات و قانونیت ندارد.

عادل الدوله مخبر - اگر به ماده ۲ و ۴ و ۵ مراجعه بفرمائید می بینید که در متن است که تخلف از هر یک از آن را از نقطه نظر مخالفت با قانونیکه از برای بستخانه قرار داده شده یک مجازاتی را اقتضا میکند یکی از آن مواد انحصاری است که به بستخانه داده شده در همان حین هم باروز و تخلف فرق میکند بکوت است که موضوع تخلف از قانون حمل یک پاکت است و بکوت مورد تخلف یکراه و دستگاهی است که در مقابل انحصار دولت ترتیب داده شده است ما این دوتا را واحد اقل و اکثر قرار داده و بهمان طور که معمول قانون گذار است تعیین مجازات یعنی در ۴ شدید و خفیف آن مجازات را

بنظر محکمه میکندیم زیرا تمام این موارد را نمیتوان بیش بینی کرد.

حاج شیخ محمد حسن - اگر چنانچه اسمی از مواد برده نمی شد حرفی نبود چون این ترتیب در قوانین شرعی هم هست که تعیین حکم موکول بنظر حاکم شرع میباشد ولیکن بعد از آنکه اسم برده شده که تخلف از مواد ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ مجازات را دارد سه فقره که بیشتر نیست این سه فقره هم نهایت امر سه حدیکه متناسب با تخلف از ماده ۲ و ۴ و ۵ باشد لازم دارد - لهذا چواییکه فرمودند در واقع نکر دو با هم عرض میکنم که تعیین مجازات بشتیهات آن شخص مجازات دهند بشتیهات است **مخبر** - یک خلاف قانونی را بقیه مرتکب شوند ممکن است یک شدت و ضعفی داشته باشد و تقریباتی برای شدت و ضعف هست که نمیشود آنها را قبلاً در قانون بیش بینی نمود زیرا ممکن است کسی که تخلف از قانون کرده است تقریباتی داشته باشد که آن مجازات را خفیف کند یا از وضع قوانین مستحضر بوده یا علت دیگری داشته باشد یک تقریبی ممکن است مجازات او را تخفیف بدهد اینها را بیش بینی نمیتوان کرد و باید بنظر محکمه نگذاشت چنانچه معمول به هم همین طور بوده است

حاج شیخ محمد حسن - عرض کردم در اینجا تعصیر را معین کرده و با تعیین تعصیر مجازات باید معین شود و این فرمایشات آقای مخبر طوری نبود که بنده را قانع کند و اگر چنانچه مورد تخلفات را معین میکردند که در مواردی چقدر متناسب است مدت حبس آنها باشد و توسعه از برای نظر آن شخص مجازات دهند پیدا نمیشد اشکالی نبود ولیکن در صورتی که معین نکرده اند و نوشته اند از یکروز الی پنجاه روز حبس خواهد شد آن ظلم خواهد بود اگر پنجاه روز باشد پنج روز مجازات آن نخواهد بود.

مخبر - آقای حاج شیخ محمد حسن تنها نظرشان بموارد ارتکاب خلاف قانون است اما خود خلاف قانون را مرتکب شدن اوضاع و احوالی را که جرم را خفیف یا شدید میکند اگر این را در نظر داشته باشند اشکال مرتفع میشود و همان سه چهار موردیکه ذکر شده ممکن است بواسطه اطراف مطالب چندین شق پیدا کند که نظر قاضی در آن دخالت تام داشته باشد و مجازات را شدید یا خفیف کند اینها را هم باید ملاحظه بفرمائید.

حاج شیخ حبیب الله - مانعاندگان که باین مجلس حاضر شده ایم از برای رفع ظلم و تعدی حاضر شدیم مانعانده ایم آن کارها زیرا که در زمان استبداد بکنفر میکرد ما هم آن احکام را اجرا بکنیم اگر بنای وضع قوانین است باید یک قوانینی وضع کرد چه در مجازات و چه در غیر مجازات که اسباب ضرر و خسارت رها و بواسطه طرح مردمان رنجبر و فقرا نشود چون اغلب این مجازاتهایی که در این قانون نوشته شده است خسارات آن نوعاً بر فقرا و ضعفا وارد می شود و الا فلان اعیان کافندش را نمیدهد برقیقتش ببرد این کارها نوعاً از ضعفا صادر میشود و این ضعیف بیچاره مکاری و چاروادار و غیره اگر بنا شد بواسطه اینکه تخلف کرده و یکشاهی نداده کافندش را نیز بزنند و برقیقتش داده است به برد از برای یکشاهی خجاست کردن نباید

پنجاه روز حبس بشود این با هیچ قانونی و قاعده از قواعد عقل و نقل موافقت ندارد آقایان هیچ ملاحظه مینمایند این بیچاره که از اول تا آخر سال زحمت میکشد سه تومان و چهار تومان عایدی ندارد اگر باو بگویند پنجاه روز حبس باشی یا پنجاه تومان بده آیا این بیچاره که حبس میشود زن بچه او چه کار میکنند چنانکه عرض کردم مطلب با هیچ قاعده از قواعد عقل و نقل درست نیست و نباید بگذاریم حق مردم باغراض شخصی پای مال شود این قانون خلاف عقل است خلاف حکم خداست خلاف تمام کتب آسمانیست که ظلم را تجویز نمیکند از این بدتر نمی شود که برای یکشاهی و دو شاهی و پنجشاهی پنجاه نفر سر بی شام زمین بگذارند که چرا یکشاهی بر دولت خسارت رسیده است این خیلی شباهت دارد بر بعضی مطالب که از زمان قدیم جز مطالب بود

نایب رئیس - این مذاکرات از موضوع خارج است.

حاج شیخ اسدالله - بلی مقصود این است که ما میخواهیم بعضی از مطالب را که در زمان سابق جزو مطالبات بود جزو قوانین قرار بدهیم.

عادل الدوله مخبر - مجازاتی که مرتکب این نوع تعصیر داده میشود از این نقطه نظر نیست که صد دینار یا سه شاهی از نقطه نظر اقتصادی بدولت ضرر رسیده بلکه برای انضام و اداره شدن امور بستی لازم است اداره بستی منحصر بحدود باشد

قوانینی هم در این خصوص مجلس وضع کرده است مرتکب خلاف هر یک از موارد مرتکب خلاف قانون محسوب میشود و از نقطه نظر مخالفت قانون مجازات میشود نه از نقطه نظر اقتصادی اگر مواد بعد را ملاحظه بفرمائید می بینید که اداره بستی حق داده شده است که آن نوع مضایقه فقط حجه اقتصادی دارد مابین خودشان تصفیه کنند ولی آن تصفیر اینرا که با حجه انتظامی مرصده است باید مجازات شدید بدهند و باید مرتکب خلاف قانون را مثل مجازات چشمه ملاحظه گردد اما اینکه فرمودند اغلب باشخاص ضعیف بر میخورد قانون وقتی که وضع میشود مرتکب آنرا در نظر نمی گیرند و هر کس مرتکب باشد مجازات می بیند خواه شخص ثنی باشد یا فقیر و بهمین نظر بوده است که حبس را مأخذ قرار داده برای اینکه اگر در یک موقعی شخص مرتکب باشد مجازات بولی چندین تأثیر نمی شد لهذا محکمه او را حبس می کند و اگر یک شخص ضعیفی بود ممکن بود اگر مجازات بولی باشد او را در آن مجازات رهاست نکرده باشند در آنجا هم باز حبس جبران میشود ولی آنجاییکه ضرر اقتصادی داشته باشد خود ادا بپستخانه مخبر است بطور تراشی آنرا قبضل بدهد و گویا آقای حاج شیخ حبیب الله درست ملتفت نشده اند که این قانون از برای اشخاصی است که مرتکب خلاف قانون میشوند حالا خلاف قانون خواه خفیف باشد یا شدید فرقی نمی کند

مدرس - در اصل مسئله علت و کثرت بنده نظر ندارم باید هر کس هر نظری دارد پیشنهاد بکند لیکن چون شاید در باقی موارد همین مذاکرات بشود و اسباب معطلی شود میخواهم این مطلب را

که مربوط باین ماده است و مواردیکه است عرض کنم نظر بمقتضیات زمان قواعدهی محل احتیاج می شود البته اگر از تاریخ اطلاع دارید میدانید که یک وقتی با کبوتر بوده است و یک زمانی هم که اوائل مردمان باشد و خاطرمان هم هست یک مأمور دولت بود که بهر راهی میرسید یک الاغ باقاری سوار میشد و کافندش را میبرد امروز انضمام مملکتی مقتضی بستی و تلگراف و امثال این ادارات است البته باید در تحت یک قوانین انضمام آنها را حفظ کرد و الا نظام مملکتی مختل مینماید - لهذا در قانون اساسی این مسئله را بیش بینی کرده که اشخاصی باید به مقتضیات زمانها در نظر داشته باشند فعلاً این مسئله نظمش موقوف بر یک مجازات است که بر حسب پیشنهاد آقای مخبر آقای معاون یک چیزهایی در نظر آورده شد در این پنج ماده نوشته شده که اسباب انضمام این اداره بشود و در این جا دو نظر ملحوظ شده است یکی اینکه خسارت اداره وارد نباید - و یکی اینکه جلوگیری از بی نظمی بشود چون ما هیچ انحصاری نمی توانیم تجویز بکنیم مگر اینکه برای یک مصلحت عمومی که بزرگان مأمور در زمان سابق سوبیه انحصارات داده اند ما هم باید بواسطه بعضی مصالح بعضی انحصارات را بدولت بدهیم از آن جمله بستی است که باید بدولت انحصار بدهیم و مجازاتی هم منظور شده است که در تحت این مواد ملاحظه میفرمائید و انشاء الله در قانون مجازات بیش بینی از برای این مطالب خواهد شد و این مواد موقتی است خوب است آقایان هر نظری در این مورد دارند پیشنهاد بفرمائید ممکن است پیشنهاد بکنند سی روز ولی در هر حال اختلاف لابد نیست چرا؟ بواسطه اینکه مراتب مجازات مختلف است خصوصیات اشخاص مختلف مثلاً اگر من یک خلاف قانون بکنم و یک شخص باراری یا یک شخص بیابانی یک خلاف قانونی بکند فرق دارد و باید بین اشخاص که بصیرت نامه ندارند با آنها یکی بصیرت نامه ندارند فرق باشد اینها در نظر عقلا شدت و ضعف دارد گذشته از اینکه مراتب تعصیر هم همان طوریکه آقای مخبر اشاره کردند مختلف میشود بعضی اوقات یک تعصیر است که بدو کاعده بردن است و بعضی اوقات تعصیر برای یک اداره باز کردن است اینها تفاوت میکند ولیکن راجع به پیشنهاد آقای معاون که اصرار داشتند زیاد باشد ممکن است چهل روز یا کمتر پیشنهاد کنند بهر حال خوبست در این باب هر نظری دارند پیشنهاد بکنند تا رای گرفته شود.

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفته شد کافیتست) پس آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمائید. (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - کافی است - پس رای میکنیم آقایانی که با ماده بطوریکه خواننده شد موافقت قیام نمایند. (گفته شد شور اول است نمی شود رای گرفت)

نایب رئیس - پس باقی مواد خواننده می شود. (ماده ۵۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۳ - هرگاه کسی تعصیر باطله یا لایحه اوراق بکند باطل شده را مجدداً استعمال نماید از ۶ روز

که مربوط باین ماده است و مواردیکه است عرض کنم نظر بمقتضیات زمان قواعدهی محل احتیاج می شود البته اگر از تاریخ اطلاع دارید میدانید که یک وقتی با کبوتر بوده است و یک زمانی هم که اوائل مردمان باشد و خاطرمان هم هست یک مأمور دولت بود که بهر راهی میرسید یک الاغ باقاری سوار میشد و کافندش را میبرد امروز انضمام مملکتی مقتضی بستی و تلگراف و امثال این ادارات است البته باید در تحت یک قوانین انضمام آنها را حفظ کرد و الا نظام مملکتی مختل مینماید - لهذا در قانون اساسی این مسئله را بیش بینی کرده که اشخاصی باید به مقتضیات زمانها در نظر داشته باشند فعلاً این مسئله نظمش موقوف بر یک مجازات است که بر حسب پیشنهاد آقای مخبر آقای معاون یک چیزهایی در نظر آورده شد در این پنج ماده نوشته شده که اسباب انضمام این اداره بشود و در این جا دو نظر ملحوظ شده است یکی اینکه خسارت اداره وارد نباید - و یکی اینکه جلوگیری از بی نظمی بشود چون ما هیچ انحصاری نمی توانیم تجویز بکنیم مگر اینکه برای یک مصلحت عمومی که بزرگان مأمور در زمان سابق سوبیه انحصارات داده اند ما هم باید بواسطه بعضی مصالح بعضی انحصارات را بدولت بدهیم از آن جمله بستی است که باید بدولت انحصار بدهیم و مجازاتی هم منظور شده است که در تحت این مواد ملاحظه میفرمائید و انشاء الله در قانون مجازات بیش بینی از برای این مطالب خواهد شد و این مواد موقتی است خوب است آقایان هر نظری در این مورد دارند پیشنهاد بفرمائید ممکن است پیشنهاد بکنند سی روز ولی در هر حال اختلاف لابد نیست چرا؟ بواسطه اینکه مراتب مجازات مختلف است خصوصیات اشخاص مختلف مثلاً اگر من یک خلاف قانون بکنم و یک شخص باراری یا یک شخص بیابانی یک خلاف قانونی بکند فرق دارد و باید بین اشخاص که بصیرت نامه ندارند با آنها یکی بصیرت نامه ندارند فرق باشد اینها در نظر عقلا شدت و ضعف دارد گذشته از اینکه مراتب تعصیر هم همان طوریکه آقای مخبر اشاره کردند مختلف میشود بعضی اوقات یک تعصیر است که بدو کاعده بردن است و بعضی اوقات تعصیر برای یک اداره باز کردن است اینها تفاوت میکند ولیکن راجع به پیشنهاد آقای معاون که اصرار داشتند زیاد باشد ممکن است چهل روز یا کمتر پیشنهاد کنند بهر حال خوبست در این باب هر نظری دارند پیشنهاد بکنند تا رای گرفته شود.

الی یکماه حبس میشود. **حاج شیخ محمد حسن** - مقدمتا عرض میکنم که در مجازات نظر باشخاص نیست نظر به تعصیر است اشخاص در مجازات علی السویه هستند بواسطه شدت و ضعف تعصیر است که مجازات هم بهمان نسبت شدت و ضعف پیدا میکنند نظر باشخاص و خصوصیات اشخاص نیست از برای این بود که اجازه خواستیم موقع گذشت در اینجام بقیه آن نظر را اینکه در ماده پیش داشتم جاریست یعنی اگر کسی تعصیر باطله را مجدداً استعمال نماید از ۶ روز الی یکماه حبس میشود با این که میزان تعصیر معلوم است مصادرات مجازات را در ۶ روز الی یکماه حبس قرار داده اند بنده عرض میکنم اگر ۶ روز مجازات اوست سابقی ظلم است اگر زیادتر لازم است ۶ روز دهر روز کافی نیست اما این که گفته شد پیشنهادشود ما از برای تعیین مجازات بیش بینی نکرده ایم در صورتیکه یک چیزی مخالف با قانون بنظر می آید اگر کسی بگوید این طریق مناسبت با قانون ندارد نباید حکماً بگرداش گذاشت که تو باید معین کنی و پیشنهاد کنی.

عادل الدوله مخبر - آقای گروسوی مقدمتا فرمودند که مطالب من همین همان مطالبی است که در ماده قبل گفتم و بندهم یک شرحی فرمودند که واقعاً همین همان مطالب بود و بنده عرض میکنم جواب همان است که عرض کردم و عریاضی را که در مقابل مذاکرات ایشان اول کرده ام کافی است میدانم و تکرار نمیکنم.

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض نمیکنم که مجازات نباید بشود نظام تمام بر این است که مجازات کلی باشد اگر مجازات نباشد میشود ولی مجازات کلی شئی بجهت از برای یک تعصیر باطله که یک شاهی یا صد دینار قیمت دارد نمیشود یکماه او را حبس کنند و بگویند صد دینار بدولت بررورد آورده این ترتیب خیلی قسط است یا شش روز یا یک ماه فرق نمیکند علی الخصوص که اختیار را بدست اداره قرار بدهند و علی الخصوص که برای این مجازات بدلی فراوان بدهند که مثلاً اگر شش روز حبس مقرر شد شش تومان از آن بیچاره دریافت دارند.

مخبر - عرض میکنم در مقابل اظهاراتیکه اول فرمودند عرض کرده که این جا وضع این مواد تنها برای این بستی که یک کاری کرده است که یکصد دینار ضرر اقتصادی برای دولت دارد در اینجاست مقصود اقتصادی نیست این یک خلاف قانون نیست که آن شخص برخلاف نظامات اداری رفتار کرد یعنی این خلاف که او کرده است استعمال تعصیر باطله کرده هر دو جهت را متزلزل میکند هم جهت اقتصادی را متزلزل میکند و هم برخلاف وضع قوانین مملکتی رفتار نموده و باز یادآوری میکنم که در این مجازات ها یک حد افلی و اکثری ملاحظه شده است در این صورت تصور نمیکنم اشکالی داشته باشد

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفته شد کافیتست) ماده ۵۴ قرائت میشود

عدل الملک مخیر کمیسیون عدلیه -
قبلا شور اول اینمواد بعمل آمد و در تشخیص کمیسیون مذاکره شد و بکمیسیون عدلیه اوجاع شد و بعد بمجلس آمد و مذاکره هم شد و در واقع این همان شور دوم است.

سردار معظم - بنده تصور میکنم منظور که حاج شیخ اسدالله فرمودند شور دوم نشده است بیعت اینکه در جلسه قبل خواستند رای بگیرند اخطار شد که شور اول است و رای نباید گرفت باین جهت رای گرفته نشد و فقط شور اولش در جلسه قبل بوده است و فرقی از آن در همه دیگر بمجلس نیامده است حالا منظور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند این مواد برای شور دوم باید بعد از روز فاصله مطرح شود.

نایب رئیس - در خصوص این مواد یک اختلاف نظری پیدا شده است بعضی عقیده شان این است چون راجع بکمیسیون شده بود شور دوم شده است و بعضی میگویند شور دوم بعمل نیامده است پس میگذاریم بنظر مجلس حالا اگر آقایان صلاح میدانند در این باب رای میگیریم.

حاج عز الملک - بنظر بنده اینکه آقایان مفرمانند شور اول است صحیح نیست بیعت اینکه در قوانین ماده هم که در اینجا مذاکره و مباحثه میشد اینطور واقع میشد یعنی در بعضی از مواد که آقایان مخالف بودند بقضای یکی از نمایندگان یا بقضای مخیر رجوع بکمیسیون میشد و بعد که آن ماده بمجلس می آمد دیگر گفته نمیشد که باید شور اولش شود همان یک نظر شور اول محسوب میشود و بعد که کمیسیون بمجلس میآید مذاکره میشود و رای گرفته میشد اینهم سابقه دارد و هم نظامنامه تصریح ندارد که اگر یک ماده بکمیسیون رجوع شد بعد از آنکه از کمیسیون بمجلس برگشت باز در آن ماده دو شور شود هیچ همچو چیزی نیست و بنظر بنده همان طور که در مواد مجازات بطور کلی مذاکره شد و چند ماده اش بکمیسیون عدلیه رجوع شد حالا که از کمیسیون بمجلس فرستاده می شود لازم نیست دو شور شود خصوصا مدنیست که در این قانون مذاکره شده است و مخالف با نظامنامه هم نیست حالا بیعت برای مجلس است اگر اکثریت مجلس موافق باشد ممکن است رای داد و اگر اکثریت موافق نباشد میماند برای جلسه آتی ولی نباید گفته شود چون یک نفر این عقیده را دارد صحیح است و باید بماند تا شور دومش شود در هر حال اکثریت مجلس قاطع خواهد بود.

نایب رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله در این موضوع فرمایش داشتند ؟
حاج شیخ حبیب الله - غیر بنده در اصل مسئله حرف داشتم.

حاج شیخ اسدالله - بله نسبت بیکی از مواد قانونی که در مجلس مذاکره میشود و بموجب یک پیشنهادی بکمیسیون بر میگردد در واقع شور اولش شده و بعد از آن که بمجلس آمد حکم شور ثانی را دارد و رای می گیرند هیچ اشکالی هم ندارد اما در این موضوع بخصوص ابتدا مذاکره در مواد مجازات نشد و مجلس تصویب کرد که بکمیسیون برود و بکمیسیون عدلیه رفت در جلسه قبل هم مجلس

تصدیق کرد که شور اول است و رای نداد بعد از آنکه مجلس تصدیق کرد که شور اول است و رای نداد دیگر نمیشود امشب داخل در مذاکره آن شد و مطابق نظامنامه باید مابین شور اول و شور دوم پنج روز فاصله باشد ویر خلاف نظامنامه نمیشود رفتار کرد.

مدرس - گویا در دوره سابق نظیر این مطالب را داشتیم و بعضی مطالب را که مایل نبودیم در مجلس مذاکره شود بعضی از نمایندگان اظهار میکردند که خوبست بکمیسیون برود و بعضی نظریات مقدماتی در آن شود بعد به مجلس بیاید بنده گمان میکنم رفتن آنرا بکمیسیون نمیشود شور اول حساب کرد و نظر بنده در این پیشنهادیکه کردم این بود که این مواد برود بکمیسیون و بعضی نظریات مقدماتی در آنها بشود و بعد که بمجلس آمد مجلس اصلا داخل مذاکره نشود و بفرمایش آقای حاج شیخ اسدالله چون در جلسه سابق تصریح شد که شور اول است دیگر نمیتوانیم حرف بزنیم و رای بدیم و حالا هم ضرر ندارد که سه روز عقب بیفتد و بعد رای گرفته شود.

نایب رئیس - پس آقایانیکه تصویب میکنند مذاکره در این مواد بماند و بعد شور ثانیش شود قیام نمایند.

نایب رئیس - تصویب شد - پس ممانده از برای بعد در دستور امشب مذاکره در قوانین مستقالات است ولیکن دوسه فقره مطلب است که از جلسات قبل مانده و لازم است در آنها مذاکره شود اگر اجازه بفرمائید آن ها را مقدم بداریم یکی از آنها را بپورت شنبه چهارم راجع بنمایند کسی آقای قوام الدوله است قرائت میشود.

آقای ملک الشعرا رابوت مزبور را بصورت ذیل قرائت نمودند -
بتاریخ ۵ شنبه ۱۸ شعبان ۱۳۳۳ شنبه چهارم در نعت ریاست آقای سردار معظم منعقد گردید و با اعتبار نامه آقای قوام الدوله و صورت مشروح مجلس حوزه مرکزی انتخابات نجف آباد که حاوی ۳۴ صفحه بود رسیدگی شد تمام عملیات آنها بر طبق مواد قانون بوده و آقای قوام الدوله با اکثریت ۸۲۶ رای از کل ۲۹۵۲ رای از طرف اهالی نجف آباد اصفهان بنمایند کمیسیون شورای ملی انتخاب شده اند یک فقره شکایت بفرموده امضاء ۹۹ مهر از اهالی دازان انجمن نظارت مرکزی نجف آباد رسیده مفاد آن اینست که نایب الحکومه فریدن از طرف حکومت اصفهان مأموریت داشته که مردم را مجبور و تهدید نماید برای خود را بنام آقای قوام الدوله بدهند و اوراق رای باسم مزبور تهیه نوشته و در دستمال دست مأمورین مخصوص بوده و بهر کس میداده اند که تسلیم انجمن نظارت نمایند آقای سید عباس نام حاشیه آن عریضه را بر صحت اظهارات منقولین تصدیق نموده بودند چون آقای سید عباس که تصدیق واقف شده شخصاً در آن نقطه ۵۰۴ رای داشته و از دیگران شکایت رسیده و ضمناً تحقیقات بعمل آورده لهذا انجمن نظارت مرکزی نجف آباد آن شکایت را دال بر تخریبات آقای سید عباس و غیره وارد دانسته اند یک فقره هم از همان اشخاص شکایت بمجلس شورای ملی رسیده

که تاریخ آن چهارم و هشت روز بعد از تاریخ اخبار نامه و موعده حق شکایت بمجلس منقضی شده بود چون بفر از این دو فقره دیگر شکایتی نرسیده و این دو فقره نیز قابل قبول بوده لهذا شنبه چهارم با اکثریت ۹ رای ازبازده نفر افضا حاضر صحت انتخاب آقای قوام الدوله را بنمایند کسی از طرف اهالی نجف آباد اصفهان تصدیق نمودند.

نایب رئیس - در این موضوع بنده اطلاعی ندارم ولی باید هنر را فهمید اگر آن شخص که مرخصی خواسته است در واقع یک هنری داشته است عیبی ندارد و این پیش آمده ها و که اسباب شد و مجلس منعقد نشد نمیشود اسباب رد کردن مرخصی قرارداد و گفت چرا حوصله نکردی که مرخصی بگیری چون بعضی اخطار هست که نمیشود بناخیر انداخته لهذا بنده این جهت را خوب نمیدانم که در مجلس مذاکره شود که چرا حوصله نکردی تا مجلس اثن بنده شاید هنری بوده که اگر میخواست صبر کند تا مجلس اثن بنده هرج حرفی ندارم اگر مجلس تصویب نمیکند خود میدانند.

نایب رئیس - دو موضوع نمایندگی آقای قوام الدوله از نجف آباد مخالفی هست ؟ باینست
وقار السلطنه - بنده مخالفم
نایب رئیس - پس ممانده از برای بعد دو فقره را بپورت هم از کمیسیون عریض و مرخصی راجع با اجازه مرخصی آقای سردار و آقای حاج میرزا فضلعلی آقا رسیده که کمیسیون مرخصی آنها را تصویب نموده قرائت میشود
(رابوت اول بمضمون ذیل قرائت شد)

**آقای سردار برای اصلاح امور شخصی خودشان بیست روزه اجازه مرخصی خواسته چون عذر موجه داشته اند کمیسیون بیست روز مرخصی ایشان را با اتفاق تصویب نمود
سلیمان میرزا - بنده این مرخصی را یک چیز غریبی میدانم بجهت اینکه آن کسبکه این مرخصی را خواسته یک هفته است رفته بدون اینکه منتظر باشد که مرخصی او در مجلس تصویب شود و بعد از آنکه او خودش مستقیماً حرکت کرده رفته است دیگر مذاکره در این موضوع چه صورت دارد ؟ اگر میخواست با اجلاس برود صبر میکرد تا مجلس تکلیف او را معین کند و اگر محتاج با اجازه نمود و بدون اجازه رفته دیگر محتاج بندها کرده نیست.**

نایب رئیس - در موضوع مرخصی شاهزاده چون تاریخ رابوتیکه از کمیسیون عریض و مرخصی داده شده بیستم شعبان است و مرخصی او را کمیسیون در بیستم شعبان تصویب کرده است و در واقع بندهای بعضی که میدانند مجلس منعقد نگردیده و موقع نشدگانین مطلب در مجلس اظهار ورای گرفته شود باین علت است که حالا رای گرفته میشود.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - علت هر چه باشد اجازه مجلس لازم است و باینست توقف کند تا مجلس منعقد شود و در مجلس مذاکره شود یا مجلس اجازه میداد یا نمیداد و حالا که سر خود رفته گمان میکنم دیگر جا ندارد اجازه داده شود
سردار معظم - چنانچه بنده در موضوع مرخصی دیگر هم عرض کردم ممکن است نظر نمایندگان محترم در موضوع مرخصی و اجازه مرخصی مختلف باشد و این نظر در چندی قبل هم گفته شد بنده تصور میکنم که شاهزاده نجفعلی میرزا در موقعیکه اجازه مرخصی میخواست آن نظر را نداشت و گمان میکنم حالا هم حاضر باشد از آن مطالب صرف نظر کند بملأه این تقصیر را هم نمیشود بهچیزیک از نمایندگان وارد کرد زیرا که بواسطه پیش آمد های ماه گذشته خود مجلس موفق به تشکیل نشد و این ایراد را نمیتوان بر شاهزاده نجفعلی میرزا وارد کرد که چرا رفته کمیسیون مرخصی او را تصویب کرده او هم باطنان اینکه دو روز بعد از آن بمجلس خواهد آمد و تصویب خواهد شد رفته و حالا گمان میکنم رد کردن

مرخصی او از این نقطه نظر خوب نیست و بالاخره هم میدانند که او رفته است و این کسب اجازه هم یک ادب بوده است که او نسبت بمجلس کرده است حالا اگر مجلس بخواهد این ادب او را رد بکند مسئله نیست.

مدرس - در این موضوع بنده اطلاعی ندارم ولی باید هنر را فهمید اگر آن شخص که مرخصی خواسته است در واقع یک هنری داشته است عیبی ندارد و این پیش آمده ها و که اسباب شد و مجلس منعقد نشد نمیشود اسباب رد کردن مرخصی قرارداد و گفت چرا حوصله نکردی که مرخصی بگیری چون بعضی اخطار هست که نمیشود بناخیر انداخته لهذا بنده این جهت را خوب نمیدانم که در مجلس مذاکره شود که چرا حوصله نکردی تا مجلس اثن بنده شاید هنری بوده که اگر میخواست صبر کند تا مجلس اثن بنده هرج حرفی ندارم اگر مجلس تصویب نمیکند خود میدانند.

نایب رئیس - مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

نایب رئیس - در مذاکرات کافیست - رای می گیریم پس خصی شاهزاده نجفعلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفعلی میرزا را تصویب میکنند قیام نمایند.

واسطه مانده است و از برای جلسه آتی حاضر شده بمجلس می آید - بعضی آقایان پیشنهاد کرده اند که چون باید بعضی مذاکرات راجع باینکه و رفع بحران بشود جلسه ختم میشود خوب است جلسه را ختم کنیم و قانون مستقالات را جزء دستور جلسه آتی قرار دهیم.
(گفتند صحیح است)

موضوع الملک - بنده عقیده ام این است که پیشنهاد آقای حاج عز الملک قرائت و رای گرفته شود بعد جلسه ختم شود.

نایب رئیس - چون خودشان تقاضا میکنند بجلسه آتی بماند مگر بجلسه دیگر میشود پس اگر مخالفی نیست جلسه را ختم کنیم جلسه آتی شب ۴ شنبه دو ساعت و نیم از شب گذشته دستور هم قانون مستقالات و بقیه قانون مجازات پستی و طرح قانون آقای حاج عز الملک خواهد بود

سردار معظم - وقتی که تعیین میفرمائید ساعت و نیم از شب گذشته طبق اینطور میشود که زود تر از موقع امشب جلسه منعقد نمیشود و بندهم که جلسه تشکیل میشود مجبور میشویم که زودتر مجلس را ختم کنیم بعقیده بنده خوبست است موقع رابوت تعیین کنیم بلکه آقایان زودتر تشریف بیاورند یعنی دو ساعت از شب گذشته را معین بفرمائید که اقلاً سه ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود.

سلیمان میرزا - ایام ما رمضان تا ششم افطار بکند و بیاید زودتر از این نمیشود اگر بایست دو ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود خوبست افطار را اینجا تهیه کنند والا اشخاصی که منزلشان دور است تا افطار بکنند و غذائی بخورند همین اندازه ها طول میکشد و قبل از دو ساعت و نیم ممکن نیست فرضاً اینطور که آقای سردار معظم میفرمایند آقای رئیس وقت را زودتر معین کنند یک تکلیف مالایطافی است و بیشرافت نخواهد کرد چیزی که هست ما بیکصداری جریمه خواهیم داد زیرا تکلیف مالایطافی خدام بندهاش نمیکند و شخصی که گرسنه است و هفده ساعت هم غذا نخورده باو بگویند غذا نغورده یا خوب است همان دو ساعت و نیم کفرمودند معین بفرمائید و نیم ساعت هم مهلت باشد که سه ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود و بتوانیم یک ساعت و نیم یادو ساعت کار بکنیم و الا اگر غیر از ساعت دو و نیم باشد فقط یک جریمه بر صندوق افزوده خواهد شد.

سردار معظم - بنده بشرط یک ساعت تأخیر عرض کرده دو ساعت از شب گذشته که ساعت سه حاضر باشند و مجلس منعقد شود حالا اگر سردو ساعت و نیم حاضر میشوند جریم نیست.

نایب رئیس - پس همان دو ساعت و نیم خواهد بود.

جلسه ۵۶
صورت مشروح شب چهارشنبه پانزدهم شهر رمضان ۱۳۳۳

مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته در نعت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب یکشنبه دوازدهم قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل سردار معظم - حاج سید اسدالله - نجفعلی میرزا آقا سید فاضل - اهراز السلطنه - حاج میرزا اسدالله خان غائبین با اجازه - آقایان حاج امام جمعه نظام السلطان - آقا شیخ یحیی - ملک الشعرا مریش ارباب کبکسرو.

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست ؟
مدرس - هفته گذشته آقای حاج امام جمعه تشریف آوردند که مجلس منعقد نمیشد و فرمودند که مهابی مشرف شدن به مشهد هستند و روز دو شنبه حرکت کردند دیگر نمیدانم چطور نوشته اند.

رئیس - این مطلب راجع به صورت مجلس نیست.

مدرس - چرا غائب بدون اجازه فرمودند ؟
رئیس - اجازه را بنده باید بدهم.

مدرس - نمیدانم شاید اجازه داده شده باشد
رئیس - بغیر از این دیگر مخالفی نیست ؟
(مخالفتی نشد) صورت مجلس تصویب شد.

دستور امشب اولاً قانون مستقالات ثانیاً بقیه قانون پستی ثالثاً طرح آقای حاج عز الملک رابعاً اعتبار نامه آقای قوام الدوله ولی چون از قانون پستی شش ماه پیشتر نامیده است اگر مخالفی نباشد آنرا مقدم بداریم تا تمام شود بعد شروع کنیم بقانون مستقالات ماده ۵۲ قانون پستی قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۲ - هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ رفتار نماید از یکروز الی پنجاه روز حبس خواهد شد در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است یکصد روز بالغ شود

حاجی شیخ محمد حسن گروسی - بنده تردید و اشکالی در لزوم اصل مجازات ندارم لیکن اشکال در جهاتی است که در غالب این مواد من جمله همین ماده بنظر می آید و لابد بعرض آقایان برسانم یکی آنکه نسخ مجازات را اختصاص بعرض دادن باینکه ضرب تازیانه هم یک نوعی از مجازات است خصوص در مواردیکه تقصیر خیلی عظیم و محتاج با امتداد حبس تا یکسال باشد اگر چه ممکن است گفت که آن مقصر بواسطه شدت تقصیرش مستحق اینگونه مجازات باشد ولیکن چون این مقصر که یکسال حبس میشود و اسباب زحمت کسانی است که زندگانی و همیشه آنها را بربوط بیودن از دست از قبیل خیال و اطاعت او این مجازات مستلزم صدمه بسیارین است با آنکه ملاحظه میکنیم در خصوص ضرب تازیانه اینطلب ساری و جاری نیست خوب بود لافل در جاهانیکه محتاج با امتداد حبس باشد تجدید میکنند و تبدیل بضر تازیانه نمیکردند نه اینکه نسخ مجازات را فقط منحصر بعرض نمایند این یک اشکال اشکال دیگر اینکه در اینجا نوشته شده (هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۲ و ۴۳ رفتار نماید از یک روز الی پنجاه روز حبس خواهد شد) بنده عرض میکنم کسانی که برخلاف مسطورات ماده ۴۲ و ۴۳ رفتار نمایند اگر تقصیرات آنها بر سبیل تساوی است یعنی یک درجه از تقصیرات که از یک روز الی پنجاه روز حبس و این اندازه فاصله مابین مجازات آنها همچنانکه در شور اول عرض کردم هیچ منافقتی ندارد باین جهت عرض میکنم

چنانچه سزاوار است این مجازات بشود و یک طرف آنرا یکروز قرار میدهند منتها درجه اش باید بقوه خودش برسد و از یک روز الی پنجشنبه روز مسین کردن مثل این است که مجازات رابسته به مجازات دهنده واگذار کرده باشند که هرچیز میل او باشد عمل کند و این طریق مجازات را بنده چندین مناسب نویسیم و نمیتوانیم بگوئیم مجازات قانونی است و اگر گفته شود که ماده ۴۷ و ۵۰ اختلاف دارند و مخالفت نسبت به بعضی از آنها اقوی و نسبت به بعضی اضعف است اگر این طریق است خوب بود اشاره میکردند و آن تقصیری که اقوی است مجازات اقوی برای آن میکردند و آنچه اضعف است مجازات اضعف را معین مینمودند نه آنکه موکول باختیار مجازات دهنده نمایند که گاهی بر خلاف آنچه حق است رفتار کنند و در موردیکه تقصیر اضعف است مجازات اقوی را اعمال یا در مورد تقصیر اقوی مجازات اضعف را اعمال نمایند و یک جهت دیگر از اشکال بنده این است که نوشته در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است بیکصد روز بالغ شود و بدینسان این تجدید از چه نقطه نظر است در اینجا مطلب شقوقی پیدا میکند گاهی میشود تقصیر که سر زده منقلب بمجازات میشود و در مرتبه دوم باز آن تقصیر از او سر میزند و مجازاتش را مضاعف میکنند باین است که آن تقصیر منقلب بمجازات نشده است اگر تقصیر منقلب بمجازات نشود و ثانیاً آن تقصیر از او سر زده است چه بسا میشود که وقوع آن تقصیر در مرتبه دوم ناشی از عدم مجازات او بوده و اگر مجازاتش میکردند مرتبه دوم آن تقصیر را تکرار نمی کرد پس در صورتیکه تقصیر منقلب بمجازات نشده باشد در صورت تکرار باید همین همان مجازات باو داده شود نه اینکه مجازات را مضاعف بکنند و در صورتی هم که تقصیر تکرار شده همچنانکه در اصل مجازات بکنوع جنبه رادعی و عبرت است در تکرار مجازات هم آن جنبه رادعی است پس در صورت تکرار تقصیر باید مجازات هم بدون این که مضاعف گردد تکرار شود بلی اگر این تکرار بر توبه رسیده که از تکرار مجازات هم دیدیم رادعی بهتر نیست آن وقت لازم است مجازات مضاعف شود تا اینکه بعضی تکرار تقصیر در مرتبه دوم مجازات مضاعف کرد و بلکه باید مراحل را طی کند تا مضاعف شدن مجازات برسد .

عدل الملک - اعتراض اول ایشان این بود که چرا حبس را برزدن تازیانه ترجیح داده اند گمان میکنم ترجیح حبس بضر تازیانه بداعت دارد و محتاج باظهار نیست اما اینکه میفرمایند چرا مجازات را از یکروز تا پنجروز قرار دادند در جلسه سابق عرض کردم قطع نظر از این که موارد بواسطه ماده ۲ و ۴۷ فرق میکنند بطور ممکن است برای مرتکب یک اوضاع و احوالی پیش بیاید که در وضعیت مجازات او فرق پیدا شود یک شخصی که یک عملی را مرتکب میشود ممکن است با یک مقدمات و مقارناتی بوده باشد که موجب اختلاف مجازات و جرم او بشود این مطلب را قضایای تسویه امور بیشه در منظر دارند و باین ملاحظه است که از یک روز الی ۵۰ روز معین شده بنده گمان می کنم از هر نمره که شروع می سکردیم از یکروز تا دهروز یا از دهروز تا صد

روز یا صد روز تا هزار روز (باز قابل تنقید بود که چرا تا آن نمره شروع شده است لهذا باعتبار آنکه موارد ارتکاب مرتکب ممکن است شدید و ضعیف باشد از یک روز تا پنجروز روز تشخیص داده شده بنظر قضات که در محاکم رسمیه تصصیرات تطبیق میکنند و مجازات میدهند احواله شده اند عرض کردم بنظرم که ارتکاب فرقی میکند آن اوضاع و احوالی هم که بآن مقصر نسبت داده میشود موجب تأثیر در مجازات او خواهد شد و اینکه از برای تکرار ارتکاب دو فرض کرده اند یکی آنکه اگر مقصر جزاً داده نشود ممکن است او را جزا بدهند و اگر جزا داده شده است دیگر چرا شدید و مکرر میکنند عرض میکنم تکرار ارتکاب اسباب میشود که مجازات را شدیدتر بکنند بجهت اینکه کسی که عادت بارتکاب جرم کرد برای اینکه ترک عادت او بشود مجازات را باید تکرار کنند که ترک کنند و بنده او نشود و هر قدر بیشتر از او جرم ظاهر شود جزای او شدیدتر میشود .

حاج شیخ حبیب الله - نهادن اهل البر و القوی و لائمه توانی الامم و لمدوان این مجازاتی که معین شده است از دو قسم خارج نیست و این شخص را که مجازات میکنند یا بواسطه این است که ضرری بدولت زده است یا بواسطه این است که خیانت و نقض قانون اساسی را کرده است اگر مجازات از جهت این است که ضرر بدولت زده است مثلاً صد دینا پول چاباری را که باید بدهد نداده گذر را بدست چاروادار داده و صد دینار بدولت ضرر زده است در این صورت چون معنی مشروطیت تساوی در حقوق است و تمام افراد مردم ذوی العتوق هستند و هر کس چه ضرر بملت و چه بدولت بقدر ضرری که زده باید او را مجازات کرد نه اینکه از برای بیکتومان دوازده هزار تومان یا برای یک شاهی دوازده هزار شاهی مجازاتش کنند زیرا که لازم دولت مشروطه تساوی در حقوق است و اگر بگوئیم این مجازاتی که باین شخص داده میشود بلحاظ این است که این شخص خلاف قانون کرده است باز عرض میکنم (مجازات کل شیئی بجهت) در اینصورت باید مجازاتش بقدر صد دیناری که مخالفت با قانون کرده بشود یک بار این است که ما شخصی را که مخالف با قانون و نافرمان قوانین است مجازات میکنیم و یک بار این است که پنججاه نفر را مجازات میکنیم و هر گاه کسی را برای صد دیناری که مخالفت با قانون کرده یکسال حبس کردیم پنججاه نفر حبس شده اند نه یک نفر مثلاً شخصی از او طلب کار است و هر روز بحسب اقساط این پول را میداده است و وقتی که این شخص را بردند حبس کردند طلب مردم از بین می رود پس در واقع مجازات با آنها داده شده است دیگر این شخص اهل و هیال دارد و اولاد و اطفال و کسانی را دارد که باید بخارج آنها را بدهد و روزی یک تومان کاسبی میکند و خرج آنها نمایند بعد از آنکه او را بردند یکسال حبس کردند اهل بیت و کسان او یک روز دو روز پنج روز اساتیه اش را میفرشند و خرج میکنند اما یکسال آیا فکر این فقیر رحمت را کرده ایم یا اینکه باید بسوزد که مخالفت با قانون کرده است اگر مجازات در همه جا یک طور است پس چرا قانونی که از برای تشکیلات

مالیه جعل شده است در اینجا باخطار کتبی قناعت شده در اینجا باید از برای جزئی خیانتی که در واقع خیانت نیست یکسال حبس شده حالا در صورتی هم که خیانت باشد چند جای آن هیب دارد یکی اینست که ملاحظه بین افراد این اشخاص نشده که آیا این شخص عالم است یا جاهل است در اینجا هیچ وجه فرقی بین اشخاص نگذاشته اند و گفته اند هر کس که خلاف این قانون را کرده ام از اینکه عالم یا این قانونی که ما جعل کرده ایم باشد یا نباشد باید مجازات شود حال آنکه مقتضای هیچ عقلی و قانونی تجویز نمیکند که جاهل را مجازات کنند مثلاً اگر ما فرض کنیم (اگر چه از موضوع خارج است) یک کسی شرب خمر نمود در حالیکه جاهل باین بود که خمر است او را مجازاتش نمی کنند چون این شخص نمیدانسته مقصود بود (الجاهل ممنور) در صورتیکه بعد از هزار و سیمه سال که از زمان پیشتر گذشته هنوز ما قانون شرع را نمیدانیم بطور این رهایی دهانی که در سرحیات هستند قدری عالم باین قوانین خواهند شد تا اینکه بواسطه مخالفت آن مجازات شوند این مطلب بنظر بنده صحیح نمی آید. حالا آقایان آنچه بنظرشان می آید خواهند فرموده و باز عرض میکنم اگر بنای مجازات باشد بغیر آن مجازات هم ممکن است که این شخص را بتازیانه و غیر این تمیز کنند که برسد و من بعد این کار را نکنند و مال توقیف الدیاله و علیه توکلت

معاون وزارت عدلیه - در مذاکراتیکه نمایندگان معتمد فرمودند نسبت بقانون جزا فقط نکته که باید جواب آن عرض شود همان مسئله تازیانه است که اظهار فرمودند از برای کسیکه حبس میشود و مدتی در آنجا میماند در صورتیکه اهل و هیال یا طلبکارهای او دچار بیگانه می شوند البته اگر یک مجازاتی را قائل میشوند باید بر آن مجازات یک اتزی هم خواستار شوند زیرا اگر بنا شود درصدد مجازات برآیند هیچ اتزی از آن مجازات در وجود خودش با مانده اش حتی نسبت باشخاصیکه با او طرف معامله هستند وارد نشود مجازات او نتیجه نخواهد داشت و اسباب تنیه نخواهد شد بواسطه اینکه مقصود از مجازات تنیه و تضییق و مانع شدن از آن است که دیگران هم دچار اینگونه خلاف قانونها نشوند پس در اینصورت نمیشود ایراد کرد که چرا کسی را که زن و بچه اش گناه نکرده اند حبس میکنند بلی اینها مستقیماً گناهی نکرده اند ولی شاید بواسطه آن کسی خانواده اش در غم باشد و همین اسباب شود که نگذارند بعد از این خلاف قانون را مرتکب شود این خودش یک مسئله مهمی است و اما راجع به یک مسئله دیگری که فرمودند فرقی مابین عالم و جاهل گذاشته نشده است عرض میکنم اولاً در هر مملکتی که میخواهند قانون وضع کنند باید یک نکته را در نظر بگیرند و آن این است که مقنن و واضع قوانین میتواند قائل بشود که کسی که جاهل بقانون است مستثنای از حکم باشد و این یک اصل اساسی است و در تمام ممالک متدینه که قانون دارند این اصل را در تمام قوانین می نویسند که هیچکس نمیتواند بگوید که من جاهل بقانونم ولیکن از آن طرف این حد اقل و اکثری را که قرار داده شد و خود آقا و بعضی آقایان (لی الراجع لعل فتوبه) باین ملاحظه اینجام بواسطه آن ضرر مالی که با دارنده است حبس تجویز شده است نه ضرب و امدار این مسئله که حبس زیاد است بنده تصدیق

است با کسی که عالم بنام شرائط قانونی است مساوی باشد باید این مسئله را قاضی محکمه در نظر بگیرد و اینکه از یکروز تا پنججاه روز نوشته شده برای همین است که اگر در یک موردی مخالفت کنند با قانون جاهل باشد مجازات او را یک روز حبس قرار دهند و اگر عالم و امداد مخالفت با قانون کرده باشد پنججاه روز حبس شود و این تفاوت ۴۹ روزی که منظور شده است رفع این ایراد را میکند .

حاج شیخ محمد حسن - اینکه آقای معاون فرمودند لازم مجازات تضییق است این فرمایش صحیح است و لازمه مجازات تضییق است ولی بر مقصر نه بر غیر مقصر اهل و هیال او تقصیر نکرده اند که در تضییق باشند و این فرمایش ایشان رفع اشکال را میکند و دیگر فرمودند بواسطه حد اقل و اکثر فرقی مابین عالم و جاهل گذاشته ایم یا اینکه خودشان میفرمایند فرقی گذاشتن مابین ایندو برخلاف اصل اساسی قوانین است با این وصف بر میگردد و توضیح میدهند که کسیکه جاهل بود یک روز و کسیکه عالم بود پنججاه روز حبس میشود بنده همین قدر عرض میکنم که اگر قائل باین مسئله هستند که فرقی بین جاهل و عالم گذاشته میشود ما حرفی نداریم ولیکن این مطلب صحیح نیست که مابین عالم و جاهل در مجازات فرقی گذاشته شود نهایت آن شخص جاهل مقصر است که نرفته است و نایمورخته است و از جهت نایمورختن با عالم تفاوت نمیکند زیرا که جاهل مقصری که در مقام و در فکر آموختن نباشد با عالم تفاوت نمیکند و هر دو یک صورت و یک حکم را دارد و بعد از آنکه یک صورت را پیدا کرد این اظهارات و رفع اشکال را نمیکند که در صورتیکه تقصیر هر دو یکی باشد یکی را یک روز و یکی را پنججاه روز حبس کنند .

مدرس - چون در حقیقت قانون مجازات محل ابتلا است باید این عرض را بکنم نظریات آقایان همه در مورد خودش صحیح است ولیکن این مجازاتی که الان در کمیسیون عدلیه مطرح نظر است البته ملاحظاتی در آنها شده و اینقسم نوشته شده است بلی ضرب یکی از اقسام مجازات است محل هم دارد و جایز هم هست ولیکن ما در اینجا یک نظر دیگر را ملحوظ داشته ایم و فلسفه را که از جای دیگر بدست آورد ایم ملاحظه میکنم و آن این است که هر جانی که پای مال در میان بیاید حبس تجویز شده است و در اینجا این شخص که خیانت کرده است ضرر با دارنده دارد و از ثبوت اینکه ضرر با دارنده زده است بدوجه مجازات بر آن مترتب میشود چون ضرر مالی یک دفعه کم و یکدفعه زیاد میشود و یک مسئله عمده نظریاتی است که در این مجلس باید ملحوظ بشود و آن ملاحظه انتظام و سیاست مملکت است که بدون انتظام و سیاست مملکت اداره نمیشود بلکه دنیا اداره نمیشود و البته بواسطه مقتضایاتی که پیش آمده است از برای آن چیزها بیکه برخلاف انتظام است مجازاتی معین خواهد شد آنچه از روی آنچه دستور العمل داده شده است ما داریم که اگر کسی مال کسی را خورد و نداد باید حبسش کرد (لی الراجع لعل فتوبه) باین ملاحظه اینجام بواسطه آن ضرر مالی که با دارنده است حبس تجویز شده است نه ضرب و امدار این مسئله که حبس زیاد است بنده تصدیق

داوم که حبس زیاد است لهذا در آن پیش نهادی که بنده کرده بودم پنججاه روز منتهای آن بود و آقایان نظرشان برسد روز بوده و لکن اصلاً مجازات باید حبس باشد نه ضرب اینجا جای ضرب نیست و البته جاهای دیگر هم مجازات ضرب خواهد بود معین است و تخلف نخواهد کرد در هر موردی بنسب آن مورد مجازات منظور و معین میشود بعضی جاها باید ضرب باشد لاقیر بعضی جاها باید حبس باشد لاقیر بعضی جاها هر دو با هم باید باشد ولیکن نظری که اینجا در حبس بوده ملاحظه ضرر مالی است و اما از جهت زیادی آن گمان میکنم اگر آقایان پیشنهادهای بکنند که این زیادی کم شود آقای مقرر و معاون قبول کنند و کم شود مزاحمتی نباشد

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (بعضی گفتند کافی نیست) رای میکنیم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست . آقایان یک ملاکرت را کافی میدانند قیام نمایند

(عده کنیری قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است رای میکنیم بماده ۵۲ آقایانیکه ماده ۵۲ را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۵۳ قرائت میشود (بعضی ذیل قرائت شد)

ماده ۵۳ - هر گاه کسی تبریاطه یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را مجدداً استعمال نماید از شش روز الی یکماه حبس میشود و در صورتی که در این ماده مخالفی نیست ؟

حاج شیخ محمد حسن گروسی - اشکال بنده در عدم تناسب شش روز الی یکماه است افلا از شش روز الی ده روز خوبست معین کنند

رئیس - پیشنهاد کنید

حاج عز العمالت - اگر چه در ماده قبل این مذاکرات شد و توضیح هم داده شد ولی باز مناسفانه ماده رد شد بنده خیلی متأسفم از اینکه این اول قانون مجازاتی است که بمجلس آمده و ما عرض میکنم که این کمیسیون عدلیه مطرح نظر است البته آقای حاج شیخ محمد حسن فرمودند عرض میکنم این مسئله در شب قبل هم توضیح شد که از برای تقصیر باید درجات معین نماید اشکالاتی پیش خواهد آمد یعنی در موقع تقصیر اشکالاتی پیدا میشود که محکمه میتواند تبر بدهد و مانده نمیتوانیم تمام اشکالات را پیش بینی کنیم و مجازات های آنها را بنویسیم پس بایستی همین طور که تقصیر را بدرجات تقسیم کرده اند باشد زیرا تقصیرات که واقع میشوند ممکن است تبر را کمتر بفروشند یا زیادتر بفروشند یا این که مقصر جاهل باشد یا مسبوق باشد و عمداً همچو کاری کرده باشد پس اینها را قبل از تقصیر معین کرد باید حد اقل و اکثری قائل شد و بنظر محکمه واگذار کرد اساساً هم همان است که عرض کردم اگر ما نسبت باین مواد رای ندهیم خیلی جای تأسف است .

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده تصدیق دارم که خیلی جای تأسف است که قانون مجازات بمجلس می آید و چند ماده آن رد میشود ولی افسوس بنده از این جهت است که چرا باید این مواد طوری نوشته شود که وقتی بمجلس آمد آن مواد رد شود امدار

باب مجازات گمان میکنم تمام مجلس متفق باشند که بدون مجازات مملکت اداره نخواهد شد ولی از روی انصاف اگر یک قدری در این مواد نظر بکنیم ببینیم یک موادی نیست که کسی بخواد رای بدهد در این ماده مینویسد (هر گاه کسی بتواند باطله یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را استعمال کند از یک روز الی یک ماه حبس میشود) بنده در اصل مطلب نظر ندارم شاید هم موافق باشم که اگر کسی تبریاطه استعمال کرد خلاف قانون کرده و نقض قانون کرده و باید حبس هم بشود اما هر چه فکر میکنم تفهیم چون تقصیر معین است که استعمال تبر باطله است آنوقت مجازات او را از شش روز الی یکماه معین میکنند و بنظر قاضی واگذار میکنند این از روی چه نظر و فلسفه است بلی ممکن است استعمال تبریاطه را بدو قسم تصور کرد یکی عمداً یا عمداً یا قاصر یا مقصر بهر حال یا عمداً یا عمداً این تقصیر را میکند مجازاتش باید حدمعینی داشته باشد و بگویند شش روز یا هشت روز یا هشت روز یا ده روز حبس میشود یا اگر از روی علم نبوده و سهواً این کار را کرده آنگاه اگر مجازاتی داشته باشد باید یک مجازاتی داشته باشد باید یک مجازاتی داشته باشد بطور مجازات اقلی برایش قرار بدهند در اینجا بطور کلی مینویسد که (هر گاه کسی تبر یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را استعمال کند از یک روز الی یک ماه حبس خواهد شد) بدون هیچ قیدی و تبیل و اراده خود قاضی واگذار کرده اند در صورتیکه ممکن است قاضی بایست کسی که خصوصیت دارد و تقصیرش بیشتر است شش روز او را حبس کند یا یک کسی که خصوصیت ندارد و تقصیرش کمتر است او را یکماه حبس کند این هیچ فلسفه ندارد باید این تقصیر معین باشد و حد مجازات هم معین باشد والا اگر باین ترتیب باشد بنده که رای ندهیم و رای ندادن بنده هم باین نظر است که عرض کردم والا اگر حد مجازات معین شود بنده اول کسی خواهم بود که رای بدهم .

عدل الملک مختبر کمیسیون - خیلی محل تأسف است که اگر فرد فرد از اعضا مجلس شورای ملی سؤال شود تصدیق میکنند که از برای مملکت مجازات نهایت لزوم را دارد و کسی نیست که مخالف باشد و با این همه اثر بسجازات و با اینکه مردم به ملکات بد عادت کرده اند تصدیق خواهند فرمود که مجازاتهای خیلی شدید لازم است بنده گمان میکنم در واقع کمیسیون وقت قلب مصرف کرده است و مجازات را اینطور خفیف قرار داده است با اینحال نمیدانم چه ملاحظه آقایان آنقدر اشکال میکنند و میفرمایند در باب مجازات دقت نشده است و فلسفه او معلوم نیست در صورتیکه فلسفه او همان کردام کمیسیون از هر جا که شروع میکرد و هر جا که ختم میکرد باز یک تنقیدی پیدا میشد و یک اعتراضی میکرد در حالتیکه خود ایشان اگر یک حد اقل و اکثری معین میکردند باز ممکن بود یک کسی دیگر اعتراض کند که خوب بود یک طوری دیگر نوشته بشود باز عرض میکنم که بهترین قانون مجازات همین شش هفت ماده است که در واقع نمونه قانون مجازات است و جالب نظر تمام مردم است که مجلس انجام بدهد و بگذراند و حالا مناسفانه دیده میشود که اینطور دچار حلات می دربی میشود در صورتی که

میشود که او را متول میدانند و برای او خسارت مالی را کافی میداند آنوقت حیس را از برای او معین میکنند و یکی هست که ارتکابش را چندان شدید نمیداند حیس او را مبدل بجزای تقبی میکند این یکی از مواردی است که جناب عالی در مقدمه تأیید میفرمودید و حیس را شدید میداند استنبه حالاهم که موافق دلخواه شایسته است

حاج شیخ حبیب الله - این دو شش رایبان فرمودند ام یک شق دیگرش را که این مردم فقیر است وهم ضعیف نفرمودند کفر یکماه دو ماه یا یکسال حیس صحیح نیست اما اگر بخواهند تبدیل به پول کنند با این قسم آدم چه میکنند ؟ کسیکه حیس قانون میکند باید ملاحظه تمام اطراف و اشخاص را بکنند نه ملاحظه یک فرد و دو فرد و اگر ملاحظه بکنند و در فرد باشد دیگر - تیاج بچهل قانون نخواهد بود

رئیس - در ماده ۵۶ دیگر مخالفی نیست ؟ رای می گیریم آقایانیکه با ماده ۵۶ موافقت قیام نمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۵۷ خوانده میشود (بعضیون ذیل خوانده شد)

ماده ۵۷ - دعوی که اداره پست خانه بموجب مواد فوق بمخالفت کنندگان خواهد داشت ممکن است قبل از مراجعه به محاکم عدلیه مرصفاً بمصالحه فیصله نماید

سردار معظم - چنانکه در ضمن شور اول عرض کردم حالا هم تکرار میکنم نده تصور میکنم این ماده بر خلاف مواد فوق باشد بجهت اینکه مراجعه باین چند ماده مجازات که امشب تصویب شد بکنیم خواهیم دید که در هیچ کجا نظر اقتصاد را در پستخانه در نظر نبود بلکه نقطه نظر تقصیر ها و ارتکاب خلاف قانونهای مملکتی بوده است که در مقابل آن خلاف قانونها مجازاتهای وضع شده است ماده ۵۲ حاکی از این مسئله است ماده ۵۴ هم همینطور اگر کسی تیر باطله استعمال کند خلاف قانون کرد است و اثبات تقصیر و صدور حکم مجازاتش باید در محکمه دیگری که غیر از اداره پستخانه است بشود پس در اینصورت بقیه بنده اداره پست بموجب مواد فوق نمیتواند قبل از محاکمه صلح کند این یک حق است که مربوط به اداره پست نیست پس از آنکه یک کسی محکوم شدو مرتکب یک خلافی شد وظیفه مدعی العموم خواهد بود که او را تعقیب کند پس از آنکه تعقیب کرد و مقصر شد مجازات میشود بهمان مجازاتی که از برای او تعیین شده است و دیگر حق ندارد برای او مجازات معین کند پس زمینه اصلاح یا استغناء بکلی مخالف مواد فوق است

ماده ۵۵ - آن روز هم آقای سردار معظم این فرمایش را فرمودند آقای معان هم یک جواب غیر مرضی دادند ولی آن وقتی که بنده جواب عرض کردم نه آقای معان بودند نه آقای سردار معظم عرض کردم تقصیرات ۳ قسم است یکمرتبه فقط تقصیر خصوص است یکمرتبه فقط تقصیر عمومی است یکمرتبه تقصیر عمومی است که منشاقت تقصیر خصوصی است مثل اینمواد است که اینجا ذکر شده چون کسیکه این قبلیها را میکند ضرر به اداره میزند و این ضرر زدن به اداره جلوی انتظام اداره را مگر برسد پس یک تقصیر عمومی از روی تقصیر خصوصی دادن میشود و قتیکه تقصیر عمومی از روی

یک تقصیر خصوصی باشد (مثل اینکه یک کسی آمده یک مشت بگوش من برد البته منشاقت تقصیر عمومی است اینست که مشت بگوش من زده است) اگر من که کتک خوردم قبل از ثبوت باید صلح کنم یا موقوف کنم باز مدعی العموم طرف را بجا که میکشد بله بعد از ثبوت همین است که میفرمایند بعد از ثبوت مدعی العموم میتواند تعقیب بکند اما قبل از ثبوت یک ادعائی است که هنوز معلوم نیست واقعتاً دار دانه من که بواسطه این ادعای غیر ثابت مدعی هستم اگر ادعا نکردم مدعی العموم بخوابد اینکه شاید واقعتاً داشته باشد میتواند تعقیب کند ؟ - خیر - لهذا در اینمواد هم چون منشاقت این تقصیر عمومی آن ضروری است که اداره پست ادعا میکند و هنوز ثابت نشده است و قبل از ثبوت شاید واقعتاً نداشته باشد اگر صلح کرد و یا موقوف کرد دیگر جای تعقیب مدعی العموم و تقصیر عمومی نیست قانونهای دیگری را هم بنده بصیرم در آنها هم همین فلسفه هست پیش از ثبوت اگر مدعی خصوص تعقیب نکرد دیگر مدعی العموم تعقیب نکند و الا در مورد یکی در مورد قتل دیگری در مورد سرفت که باشد هم مدعی العموم تعقیب میکند ولی در سایر جاها نمیتواند باشد تعقیب کند باید با محاکم تعقیب کند و بعد از اینکه مدعی خصوصی اصلاح کرد دیگر جای گفتگوی مدعی العموم نیست

معاون وزارت عدلیه - چون آقای مدرس فرمودند که بنده در مذاکرات جلسه قبل یک جواب غیر مرضی داده ام بنده میخواهم جواب غیر مرضی را توضیح کنم که آقایان بدانند که مال موافقت را با اظهارات ایشان داشته منته تفاوت در بین فصاحت و بیان است البته بنده بقدر ایشان فصاحت بیان نباید داشته باشم البته بطور قطع وقت هم ندارم ولی در اساس با اظهارات ایشان مخالفت نداشته ام از برای اینکه بنده در جواب آقای سردار معظم فقط از نقطه نظر جنبه عمومی آن بیانات را کردم و بنده از هیچ نقطه نظری نخواستم عرض کنم که منشاقت تقصیر است کجاست منشاقت این تعقیب صرف منشاقت عمومی است یا از یک منشاقت عمومی است که متکی بر جنبه خصوصی است و آنکه فقط منشاقت خصوصی است چیزی که عرض کردم در مقابل اظهار آقای سردار معظم بوده که اظهارات من بیکرند و از این جهت اگر اداره پستخانه صلح کند حقوق دولت که حافظ قوانین موضوعه است از میان میرود بنده خواستم با ایشان بگویم که اگر اداره پستخانه صلح کند حقوق دولت بکند حقوق دولت از نقطه نظر حفظ قوانین موضوعه از میان نمیرود این یک اختلافی هم با خود آقای مدرس پیدا میشود و آن اختلاف این است که میفرمایند مدعی العموم نمیتواند تعقیب کند مگر بعد از ثبوت بنده عرض میکنم چرا اینطور نیست اولاً میخواهم بدانم مقصود از تعقیب چیست اگر مقصود از تعقیب اقامه دعوا در محکمه است البته مدعی العموم هیچوقت نمی تواند اقامه دعوا نسبت بیک تقصیری در یک محکمه بکند مگر اینکه از روی خودش و برای مستنطق یک حالت یقین و قطع حاصل شده باشد اگر مقصود این معنی است بنده با ایشان همراهم و ایکن بنده قصد از استعمال لفظ تعقیب این بنده لفظ تعقیب معنی است غیر از این است حتی در اصول محاکمات جزائی که نوشته شده لفظ تعقیب در این مورد استعمال میشود بوقت می بینید بموجب یک رایوتی که میرسد یک آدمی مظنون واقع میشود که ارتکاب فلان خلاف

قانون را کرده مثلا از ستمگیری پاپس راپورتی رسیده یا اینکه خیر کبیری محل موثقی است از یک شخص غیر رسمی یک راپورتی میرسد وقتیکه این راپورت بیار که رسیده فوراً یار که مکلف است تعقیب کند که برود ببیند این کار را کرده یا نه (بنده لفظ تعقیب را باین معنی استعمال کردم و در اصول محاکمات جزائی هم باین معنی استعمال شده است) چنانچه خاطر آقایان مسبوق است آنوقت رجوع به دائره استنطاق میکند و مستنطق تعقیب میکند در اینصورت از دو حال خارج نیست یا اینکه یک حالت قطع یقین برای مستنطق حاصل میشود و مطالب را قابل تعقیب بدانند آنوقت اقامه دعوا میکنند و دوسه رایسکه میفرستند و اگر چیزی معلوم نشد خودشان آن شخص را تیرنه میکنند بنده قسم این بود و میخواستم این توضیح را بدهم که جواب غیر مرضی نبوده باشد

حاج عز الممالک - اگر حتی محاکمه را با اداره پست داده بودیم این ماده را میتوشیم چندان بی نیاد است و کار مخالفی بنظر نمی آمد اما چون حق محاکمه با خودش نیست نمیتواند بطرف مقابل بگویم با تو مصلحه میکنم که اگر او رضی شد کار تمام شود وقتی ما حق محاکمه را از اداره پست گرفتیم و بعداً کم رسمی عدلیه واگذار کردیم دیگر احوق تعیین تقصیر و مجازات را ندارد و تا بتواند صلح کند فقط او باید پیشنهاد کند و محاکم عدلیه در این باب رسیدگی کنند پس در صورتیکه محاکمه با عدلیه خواهد بود بطور میتوانیم با اداره پست حق بدهیم که خودش قبلاً حق مصلحه داشته باشد اگر یک آدمی مقصر است و بنظر اداره پست مقصر میباشد حتماً باید بجا که عدلیه پیشنهاد کند و از آنجا مجازات او را بخواهد فرضاً اگر در محکمه معین شد که تقصیر ندارد آنهم اهمیتی ندارد در نظر اداره پستخانه این شخص طرف سوء ظن واقع شده است و محاکمه آن شخص را لازم میدانند بجا که میکشند اگر در واقع تقصیر دارد مجازات میشود و اگر تقصیر ندارد او را مبری میکنند اما چون اداره پست حق محاکمه ندارد یک حق نا مشروعی است که بسا بگوئیم توحق مصلحه داشته باشد در این صورت چون برای اداره پستخانه مسئولیتی نخواهد بود ممکن است همیشه اقامه دعوا بکند و مصلحه نماید بقیه بنده این غلط است برای اینکه اگر در واقع این آدم مقصر است باید مجازات شود و اگر مقصر نیست باید تیرنه شود و قبل از اینکه معلوم شود این شخص مقصر است یا نیست برای چه مصلحه کنند خود آقای مدرس فرمودند که قبل از محاکمه معلوم نیست این آدم مقصر است یا نیست پس در اینصورت با این آدم چرا باید مصلحه کنند در صورتیکه معلوم نیست مقصر است یا نیست هیچ لزومی ندارد با مصلحه شده اداره پست تا یک درجه مطمئن از اظهار خودش نباشد یا یک آدمی اقامه دعوا و محاکمه نمیکند و بعد از آنکه اقامه دعوا کرده با آن شخص مقصر است مجازات میشود یا مقصر نیست ذمه او حاصل میشود در اینصورت بدون محاکمه یک همچو حق را بیک اداره دادن برخلاف ترتیبی است که ما متوقعیم این قانون اجرا بشود

عزل الممالک - آقای حاج عز الممالک در اینجا اشتباهی کرده اند بجهت اینکه مصلحه مابین مدعی و مدعی علیه

است نه بین محکمه و مدعی علیه و اینکه میفرمایند قضیه وقتی بمحاکم عدلیه واگذار شد آنوقت دیگر اداره پست نمیتواند طرف مصلحه این دعوا واقع شود باید بدانند که محکمه خودش تیر در مصلحه ندارد مصلحه بین طرفین است فراموش نفرمائید که در این موقع هنوز آن شخص مقصر نیست مهم است او را مقصر نباید شناخت اداره پست با یک متهمی از جهت اقتصادی معامله اش را قبل از دعوا تسویه میکنند هیچ اشکالی هم ندارد و گمان میکنم این ایراد وارد نباشد

رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم به ماده ۵۷ آقایانیکه ماده ۲۵ را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - بعضی از آقایان در ماده ۵۲ که رد شده بود چند فقره اصلاح پیشنهاد کرده اند ولی چون اصل موضوع از بین رفته بود این بود که آن اصلاحات قرائت شد ولی حالا از طرف آقای معان یعنی از طرف دولت ماده ۵۲ باین ترتیب پیشنهاد شده است قرائت میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

هرگاه کسی بر خلاف مسطورات ماده ۴۲ و رفتار نماید از یک روز الی پنج روز حبس خواهد شد در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است یک صد روز بالغ شود

رئیس - پیشنهاد آقای موبدالاسلام هم همینطور است آقای سردار معظم پیشنهاد شما هم قرائت شود ؟

سردار معظم - خیر بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم

مدرس - جهت رد شدن این ماده دو اشکال بود یک اشکال اشکال صوری و یک اشکال دیگرش را هم بنده عرض کردم در یک فقره از مواد سابقه هم یک گیری پیدا شده آن این بود که ما مجازات را بجهت تقصیر میدانیم اینکه بنده رای ندارم نکته اش این بود که در شور اول پیشنهادی کردم و در مجلس هم قابل توجه شد ولی در اینصورت قبول نکردند لهذا عده جهت رای ندادن بنده و جمعی از آقایان بجهت این یک فقره بود بقیه بنده اگر آن یک فقره رفع نشود رای در کلیات هم داده نشود گمان میکنم این ماده را خوبست بگذارند برای جلسه دیگر که رفع آن جهت هم بشود و بگذرد قانون تمام شود

مخبر - بنده تصور میکنم این قانون یعنی یک چیز غریبی شده است که در وقت مجلس اشغال کرده و تعدید مدعی پیدا کرده است با آقای مدرس یاد آوری میکنم کسیکه رعایت قانون را نکرده باید مجازات شود و برای یکباره قانون در صورتیکه بجای خودش همه نوع ترمیم شده است دیگر نمیشود قانونی را که تصویب شده به تأخیر انداخت باینجهت بنده تقاضا میکنم بسا تا لیکه راجع به قانون پستی است بغوریت خانه داده شده و از مجلس بگذرد زیرا این قانون در مجلس ضرب المثلی شده است

رئیس - تقاضای ایشان راجع بدستور است باید رای بگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قانون پستی بمابند بجلسه دیگر قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - در شد ماده ۵۲ مجدداً قرائت بشود و رای میگیریم

(مجدداً بعضیون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکره در کلیات قانون پستی است - مخالفی در کلیات این قانون هست؟

مدرس - بلی در حقیقت این قانون چهار ماده است طول کشید و تمام شد و البته معلوم است این قانون خیلی لازم بود و لازم هم هست ولیکن اگر در خاطر آقایان باشد در یک سئوال خیلی مذاکرات شد و آنهم مسئله امتیاز بود و آنکه گفتیم و اکثریت مجلس هم قبول کرده بود که امتیاز بیکه دولت بگیرد امتیاز پست است و بیکه فقره در این قانون بود که کافد بر دین رادولت میخواهد امتیاز بگیرد سابق هم عرض کردم حالاهم عرض میکنم که امتیاز کافد بر دین در این مملکت ضرر و صدمه زیادی برای خلق دارد بلی صحیح است پست امتیازش با دولت است اگر کسی بخواهد در این مملکت کافد را بعنوان پستی ببرد صحیح نیست زیرا مقتضای صلاح و انتظام این است که پست امتیازش با دولت باشد لیکن یک فقره از یک ماده مفادش این بود که کسی کافد نمیتواند ببرد در این بنده پیشنهاد کردم که امتیاز راجع به پست باشد کافد بر دین در مجلس هم قابل توجه شد ولیکن در کمیسیون قبول نکردند و بواسطه همین فقره که ثالثاً باشد نمیتوانیم رای بدهیم قانون بدهم بواسطه اینکه آن یک فقره اسباب زحمت برای اهل مملکت خواهد بود و اسباب تولید اشکال فراهم خواهد شد لهذا باز آن عرض خودم را تجدید میکنم با درستی منته عنوان پست را اضافه کند و آقای مخبر با معاون قبول کنند یاد مستثنی آن لفظ گماشته را بردارید که آن کافدهای شخصی کرده میشود مورد مؤاخذه نباشد و عنوان امتیاز عنوان امتیاز پست باشد نه حرف کافد بر دین و الا عرض میکنم اگر این قانون همینطور که نوشته شده است از مجلس بگذرد خیلی اسباب زحمت در مملکت خواهد شد بواسطه اینکه هر کس از هر جایی که ببرد میتواند مورد و گماشتگان پست جیب و نعل و خورجین و اسبابش را می بیند که میداد کافد همراه داشته باشد و این اسباب زحمت است و این زحمت فوق العاده را نمیتوان متحمل شد و مخالفت من باین قانون در همین فقره است

مدرس - بنده میدانم از چه جهت آقایان اشکالات را میفرمایند الان ۵ سال است که این ترتیب مجری است و هیچگونه من الوجوه این ترتیبی را که آقایان میفرمایند پیش نیامده است کسی متمرض مردم نشده است و کسی جیب و نعل مردم را ندیده است و با اضافه آن چیزی را که راجع به شخصیات مردم است و با راجع بآن شخص است که آن کافد را ببرد در این قانون آنها را مستثنی کرده و نوشته است که آنها آزاد هستند و بهر نقطه که میخواهند برند هیچ مانعی از برای آنها نیست بتوسط گماشتگان خودشان هم اگر میخواهند بفرستند آزادند و با بواسطه بنده هیچ اشکالی در این قانون نمی بینم اگر بنا باشد مادر اینجا لفظ گماشتگان را برداریم و فقط بتوسیم مراسلاتی که اشخاص مختلفه

برای هم دیگر میفرستند دیگر (اخصار) یعنی چه وقتی که اینجا مختار بکنیم که هر کس بخواهد از برای هر کس کافد ببرد و بیارد و قانون انحصار بکلی خنثی میشود

حاج شیخ اسدالله - اینکه میفرمایند چهل سال است این قانون در این مملکت مجری است تا کتون هیچ همچو چیزی نبوده است که یک نفر مسافر را در وسط راه پارت کافه را در بیابان بخواهند که میخواهم ببینم در میان این قافله کافد پیدا میشود یا نمیشود صحیح است و انشاء الله هم نخواهد شد و اینکه میفرمایند اگر ما بتوسیم امتیاز حمل و نقل مکتب بعنوان پستی با دولت است آنوقت تمام مردم مجاز خواهند بود مکتوبات خودشان را بفرستند بدهند اینطور نیست فقط امتیازی که بدولت داده میشود امتیاز پست است ام از مسافر یا مکتب اما دیگر غیر از عنوان پستی بطور عادی هیچ امتیازی را مجلس نمیتواند بدولت بدهد که هیچ کس آزاد نباشد که یک کافد را از این جا با یک شخصی معمولی که بقم میرود بفرستد بهترین شوق اینست که آقای مخبر و آقای معاون قبول بفرمایند که یک کله (بطور پستی) این جا زیاد شود که هم امتیاز پست داد شده است و هم باعث این میشود که دیگر این قانون که پس از چند ماه زحمت نوشته شده و اینهمه مذاکرات در او شده است رد نشود و اگر این کار را بکنند مجلس را یعنی بنده را خیلی ممنون میکنند و رفع زحمتی هم از ما خواهد کرد

معاون وزارت پست و تلگراف - اگر چه تمام این مذاکرات در موقعیکه با این موادرای داده میشد شده بود و جواب هم آنچه لازم بود عرض شد و در شور نانی هم اکثریت مجلس رای داده و تصویب هم شده و گذشته است بنده گمان میکنم دیگر محتاج به بیان و توضیح نباشد ولی خاطر مبارک آقایان را متوجه میکنم باینکه فرمودند (بطور پستی) این خودش یک چیزی خواهد بود که به هیچوجه من الوجوه تشخیص آن ممکن نیست چنانچه در مجلس و در کمیسیون هم این مطلب گفته شد و توضیحاتش هم داده شد شاید اینکه میفرمایند بطور پستی یعنی یک دستگاه پستی که حرکت میکند و غلام پست همراه دارد آنوقت کافد جایی که در اوست پستی است و یک دستگاه معمولی که بعد از او حرکت کرده پستی نیست خیر اینطور نیست یک نفر مسافر هم که میرود و قتیکه یک بسته کافد داشته باشد آن هم پستی است پس تفکیک این مطلب در قانون ممکن نیست اما راجع بطلب دیگری که فرمودند تا کتون هیچوقت دیده نشده است که از طرف اداره پست جلو مسافری را در میان بیابان بگیرند تا رسد باینکه وقتی این تصویب میشود این مطلب مجری شود باز هم عرض می کنم که دولت باید همیشه حافظ قوانین که بوقوع اجرا گذاشته میشود و این قانون را که نسبت باحتیاجات مملکت وضع میکنند برای این است که مردم در کمال رضایت باشند و قانون که کاملاً بوقوع اجرا گذاشته شود چنانچه اگر یک قدری توجه بفرمایند به بودجه مملکت می بینند که اداره پست چطور فعلاً مراسلات را برای عموم مردم مرتب میکند و اداره پست در سالی چند خسارت میدهد اداره پست در

هر سالی مبلغی خسارت را متحمل می شود برای این که عموم مردم راحت باشند و مراسلات آنها مرتب و منظم حرکت کنند

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است با کافی نیست ؟ (گفته شد کافی است) رای میگیریم بکلیه قانون یستی که مشتمل ۸۵ ماده است و در چندین جلسه شور اول و دومش شده است آقایانیکه کلبه این قانون یستی را تصویب میکنند قیام نمایند

رئیس - تصویب شد - مذاکرات در کلیات قانون مستقلات است آقایان خوبست تشریف برند و اقل در کلیات که بیشتر از هفت هشت دقیقه نخواهد شد رای بدهند موافق باشد برای جلسه دیگر - در کلیات مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - اگر چه اساساً تصور نمیکند هیچکس بگوید که من بانکگیر عایدات دولت مخالفم در موقع دیگر هم راجع به پروگرام روزاه بنده باز این عقیده را عرض کرده ام مسلماً هر چه عایدات دولت زیاد تر شود هم محتاج به تکثیر عایدات است و هر چه عایداتش زیاد تر باشد نمیتواند ملت و مملکت را ترقی بدهد ولیکن در ترتیب عایدات نظریات مختلف است بنده عقیده ام اینست همچنانکه سابقاً هم عرض کردم امروز باین ترتیبی که در مالیه مملکتان هست وضع و هیچ مالیاتی را نمیتوانیم رای بدهیم برای اینکه هر چه مالیات وضع کنیم يك بدبختی و صدماتی رای ملت تولید میشود و دولت هم هیچ استفاده از وضع آن مالیات نمیکند و معلوم نیست چه میشود و بکجا میرود فقط يك اشخاص مخصوصی منفع می شوند در صورتی بنده میتوانم در وضع مالیات و تکثیر عایدات از مستقلات یا غیر مستقلات رای بدهم که ترتیب مالیه مملکت معلوم باشد و بودجه و جمع و خرج آن مرتب باشد و بداییم این مالیاتی که وضع میشود آنچه از مردم گرفته میشود بکجا میرود و چه مصرف میرسد بعد از آنکه من ندانم آنچه بعنوان مختلف از مردم میگیرند از مالیات مستقیم و غیر مستقیم چه مصرف میرسد و یکی میرود در صورتیکه تمام ادارات مملکتی الان پنج شش ماه است حقوق شان عقب مانده و بلا تکلیف هستند و اداره ژاندارمری بی- حقوق مانده و معلوم نیست مالیه مملکت ما بکجا میرود و بکدام چاله فرو برود در اینصورت چطور میتوانیم رای بدهیم که تحویل فوق العاده بر مردم شود و يك مالیات دیگر بدهند حالا بر فرض اینکه از این مرتبه هم تنزل کردیم و گفته‌ای میبیم و يك مالیاتی وضع میشود آخر يك وقتی مالیه مملکت اداره میشود بودجه مملکت هم مرتب میشود این هم که راه عایدی است برای دولت بعد از آنکه مالیه منظم باشد و بودجه مرتب شد يك عایدی معنی را از برای دولت رای دادیم در صورتیکه این نظر را هم داشته باشیم مالیات های دیگر در نظر هست که از مالیات مستقلات برای مملکت بهتر و مناسب ترند مالیات دخانیات است و میزری است نسبت با ممالک و مالیات مستقیم اگر هم بگوئید که وضع این قانون منافی با آن مالیاتها نیست هم مالیات دخانیات وضع میشود و هم میزری میشود و هم رشته های دیگری از برای

تکثیر عایدات فکرم میکنیم و در مجلس رای میدهم بنده عرض میکنم خیلی مشکل است ما موفق شدیم در صورتیکه يك خطوط منشئت را در نظر بگیریم که چندان رشته مختلف برای ما تولید کند آنوقت نتیجه این میشود که هیچ کدام بوقوع اجرا گذاشته نمیشود و تمام بحالت هرج و مرج میماند عرض کردم باز اگر بخوایم يك راهی برای تکثیر عایدات فرض کنیم بهتر این است از این مالیات مستقلات که میدانیم مردم بعداً می آیند قطع نظر کنیم و مالیات دخانیات را که غیر مستقیم و بگندری پذیرفتنش برای مردم سهلتر است رای بدهیم برای اینکه مستقلات يك چیزی است مثل خانه و دکا کین همه خانه است که ما محتاج مردم است و نمیتواند از آن صرف نظر کنند اما مالیات دخانیات اینطور نیست مالیات دخانیات اینطور نیست مالیات دخانیات يك امر فوق العاده است اگر کسی نتوانست آن مالیات را بدهد ممکن است ترک کند خیلی بهتر هست مزاجش هم سالمتر مغزج آنرا بکنند مالیاتش را میدهد و تحویل فوق العاده هم نیست مثل مالیات و باندرل که برای تریاک وضع شد که بنده عقیده ام این است يك مالیات خیلی بوقوع و بجائی که مجلس شورای ملی در دوره دوم تقنینیه وضع کرد و همان مالیات تجدید تریاک بود حالا هم اگر همان نظری که در تریاک بود در دخانیات ملحوظ شود خیلی بهتر است بنا بر این زیاد تر از این شرح نمیدهم و عقیده بنده این است که امروز از این مالیات مستقلات صرف نظر کنیم و در صورتیکه از نظر اولیه خود قطع نظر کنیم بهترین طرق برای تکثیر عایدات مالیات دخانیات است و مالیات میزری است و اگر این دوره رشته و راییش بگیریم يك فزائندی از برای دولت تحصیل میشود و هم تحویل فوق العاده بر کس نمیشود

حاج عز الممالک - بنده تاسف میخورم که بدو آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در کلیات موافقم و بعد بعنوان (ولی) همه مخالف میفرمایند راجع با اساس وضع مالیات بنده تمجب میکنم و در این موقع که با فرار خود ایشان ژاندارمری و سایر ادارات مدتی است پول نگرفته اند باین فلسفه میفرمایند نباید وضع مالیات بشود در صورتیکه برای تشکیل ادارات جدید مخصوصاً بسط ژاندارمری بلکه چون مذاکره راجع مستقلات است برای تأسیس نظمی بطرز جدید منتهی شود که در تهران میبیم تمام مردم بواسطه نظمی در تحت امان و آسوده هستند مخصوصاً باید نظمی در تمام ایران تأسیس شود و عموم مردم از این امنیت بهره مند شوند و ما باید سعی کنیم که این قانون زودتر از مجلس بگذرد و اینکه فرمودند بعضیها شاید مخالفت کنند ابداً این گام را نمیتوانیم بگیریم بجهت اینکه بنده خوب در خاطر دارم که در بدو تشکیل مجلس مردمانی که حفظ استقلال مملکت خودشان را طالب بودند یعنی اقل تجار و اصناف حاضر بودند برای حفظ نظمی و ژاندارمری اهانه بدهند و اصرار داشتند که وضع مالیات بشود و برای اینکه عموم مردم از نعمت امنیت بهره مند شوند تخصیص بآنها داده شود در اینصورت چطور میشود که در وضع چنین مالیاتی که از برای حفظ امنیت و آسایش خود مردم

وضع میشود و هیچ نقطه نظر دیگری در بین نیست فقط بنام اصلاحات نظمی و نیز اگر ممکن میشود برای بسط ژاندارمری این مالیات را وضع میکنیم آنوقت بعنوان مختلفه که بودجه هنوز نیامده است یا ادارات هنوز پول نگرفته اند یا مالیات دیگر در نظر است مخالفت کنیم بلی بنده هم میگویم مالیات دخانیات هست و بعد از این قانون بمجلس می آید آنوقت خواهیم دید که باز آقا با آن قانون هم مخالفت میکند یا اینکه امشب را در نظر خواهند داشت و مخالفت نخواهند کرد عرض اینکه ما اصرار داریم وضع کنیم که يك مالیات دیگری برقرار کنیم نباید با این قانون که مدتی است بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده و با وقایعی که در کمیسیون شده و بمجلس آمده است هیچ سزاوار نیست مخالفت کنیم و با این وضعیکه ما میبینیم و باین احتیاجاتیکه امروز بیول داریم و باین توکلهایکه مردم در خصوص امنیت و آسایش خودشان از نظمی در شهرها و از ژاندارمری در وضع يك همچو قانونی که محل احتیاج مملکت است اشکال تراشی کنیم اما راجع بدخانیات فرمودند که جواش را عرض کردم راجع به میزری هم عرض میکنم شروع به میزری بدمرد احتیاجات امروز ما نمیشود و بنده هم تصدیق دارم که باید تمهید و میزری شود و البته در تحت يك لایحه قانونی از مجلس خواهد گذشت ولی شروع کردن به میزری رفع احتیاجات امروزه را نمیکند پس ببقیده بنده اساساً از برای اوضاع حاضر وضع مالیات لازم است و اینکه فرمودند تقریباً میشود بنده هم تصدیق میکنم ولی باید سعی کرد که تقریباً شود و نباید گذاشت مالیات مملکت صرف چیزهای غیر لازم شود ممکن است بعنوان اینکه هنوز بودجه از مجلس نگذشته است (در صورتیکه ما حس میکنیم که امروز محتاج بیول هستیم و البته گرفتن هیچ پولی را نباید تصدیق کرد مگر اینکه از داخله مملکت پول تحصیل شود و این هم هیچ راهی ندارد مگر وضع قانون تکثیر عایدات و البته ملت ایران هم راضی خواهد بود که خودش رفع احتیاجات امروزه مملکت را بنماید که خدای نخواستہ محتاج بیول های دیگر نباشد) پس چون این عقیده را دارم محتاج - خواه بود که وضع قانون بکنم و البته بودجه ما هم بمجلس شورای ملی خواهد آمد بودجه عدلیه گذشته بودجه معارف گذشته است و سایر بودجه‌ها هم البته همیشه دولتی خواهد بود و بمجلس پیشنهاد خواهد کرد و تا تمام شدن این قانون ممکن است بودجه سه چهار وزارت خانه را گذرانده باشیم و این قانون بعد از تصویب شدن مدتی اجرائیش طول خواهد کشید و بنده یقین دارم که يك وزیر مالیه کافی خوب میتواند بودجه های تمام وزارتخانه را در ظرف یازده روز السی بکام بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند پس بعنوان اینکه هنوز بودجه بمجلس نیامده با وضع این قانون نمیشود مخالفت کرد خصوصاً که ما بیول محتاجیم و بیول هم نباید تهیه شود مگر از داخله مملکت

رئیس - آقای مدرس مخالف هستید ؟

مدرس - بلی

رئیس - بفرماید

مدرس - بعضی عرایض داشتیم که آقای شیخ اسدالله اظهار داشتند ولیکن بنده عرض میکنم خاطر آقایان هست که امروز که پروگرام هیئت دولت را

آورد بنده دو اصل را تصدیق کردم یکی اینکه مخارج مملکت باید حتماً از داخله مملکت تهیه شود و یکی اینکه باید جلو مخارج زائده گرفته شود البته اگر اهل مملکت دیدند پولی که میدهند بمصرف صحیح خرج میشود یقین است اگر تحمیلی بر آنها بکنیم رعیت خواهند داد

در این محوطه ما خیلی صحبت میداریم ولی بر آقایان مغفی نیست تمام اطراف مملکت حرفشان بر این است که این پولها که ما میدهم درست مصرف نمیشود اگر بخواهید بگوئید بر ما مغفی است خیلی بی انصافی است با این تلکرافات و شکایات و تظلمات که متصل می رسد و مردم دائماً شکایت میکنند و از همین جهت ادارات اینطور بی پول است والا مردم خیلی بیول میدهند لهذا سابقاً عرض شد که اگر بودجه ما بمجلس بیاید و معلوم شود که واقماً مملکت محتاج است باید البته بر مردم تحمیل کرد که مخارج خودشان را بدهند و بوجه غیر مرضی بیول جمع نکنند البته باید خودشان بیول بدهند و لکن امروزه که بر تمام ما معلوم است آن پولی را که مردم میدهند اغلبش بوجهی که باید صرف شده صرف نمیشود اگر يك مالیاتی وضع کنیم که از قبیل مالیات مستقلات باشد بعموم بعضی فقراتیکه دارد (از قبیل خانه) خیلی مسئله عجیب و غریبی خواهد شد اگر مجلس يك همچو مالیاتی را وضع کند گمان نمیکند از برای دولت منفعتی داشته باشد یعنی باز يك مقدماتی ترتیب داده میشود که بزرگت از مردم وصول میشود معلوم نخواهد شد چگونه خرج میشود پس خوب است در این باب مجلس تأمل بفرمایند تا بودجه بیاید و از مجلس بگذرد و به بیند احتیاجاتش به بیول چند است آنوقت مرخصی واک مناسب دیدند (چنانچه مناسبتر از این محل چند جای دیگر هم هست) الا آنرا که بخواهند وضع مالیات را بکنند مسلم است والا قبل از آنکه مردم جمع و خرج مملکت را ببینند و بدانند که این پولها بیکه میدهند بجهت مصرف خرج میشود و گمان من این است وضع مالیات اسباب رحمت برای ما خواهد شد و فائده هم عاید خواهد شد

سردار معظم مخبر کمیسیون قوانین مالیه - بنده تصور میکنم وقتیکه قانون مستقلات بمجلس می آید ممکن است بعضی از نمایندگان معترض نسبت با اساس این قانون مخالفت کنند و بگویند خوبست یا بد است و در تحت که مخالف بودند متأسفانه معترض این مسئله نشدند و فقط بیان و اظهاری که میکنند این است که میفرمایند چون بودجه ما بمجلس نیامده است ما عقیده نداریم که هیچ نوع عایدی زیاد شود و هیچ نوع قانونی برای ترتیب عایدات مملکت از مجلس شورای ملی بگذرد خیلی خیلی متأسفم که پس از مراجعه بپژانده و اظهارات مصلحین مالیه مملکت و میفرمایند نمایندگان معترض در نظر دارند که بی پولی است که ادارات ما را باین حالت حاضر و سانه است بی پولی است که ژاندارمری تهیه میکنند و کم مانده است متحمل شود بی پولی است که اداره نظمی ما را تهدید میکند ببقیده بنده مجلس خیلی دیر شروع کرده است بدخل شدن آن خطبکه امشب داخل شده مجلس با بی تی این مسئله را یکی از اولین وظائف خودش قرار میداد و زود تر راههای برای امر تهیه میکرد خیلی تمجب میکنم که يك نماینده

بگویند من رای نخواهم داد و با قانون مستقلات که نتیجه آن از دیاد عایدات مملکت است مخالف هستم اگر نمایندگان معترض در اوضاع حاضر مطالعه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که مالیات مستقلات و مالیات دخانیات بهتر است و مجلس شورای ملی مجبور خواهد شد که چند فقره مالیات دیگر هم برای رفع احتیاجات داخلی مملکت برقرار کند که مملکت فقط از منافع داخلی خودش استفاده کند پس از این نقطه نظر بنده تصور میکنم با قانون مستقلات هیچ نمیشود مخالفت کرد پس ممکن است دو اصل مالیات یعنی در خود لایحه يك نظری داشت و ببقیده ایشان قانون دخانیات بهتر است این يك نظری است که میفرمایند ولی بنده از طرف کمیسیون قوانین مالیه که چندین ماه است مشغول مطالعه قانون دخانیات است استدعا میکنم يك لایحه قانونی بکمیسیون پیشنهاد بفرمایند و بعد که خودشان داخل در خط مطالعه قانون دخانیات شدند ملاحظه خواهند فرمود که این اهمیتی را که در نظر ایشان دارد نخواهد داشت پس ممکن است يك ایرادی با اساس قانون مستقلات باشد بنده با آن نظر هیچ موافقت ندارم اما خواستند يك حسی در اینجا تولید بفرمایند و فرمودند (علی الخصوص که مسئله خانه‌ها) در اینجا داخل شده است خوب بود يك قدری دقیق تر بشدند و ملاحظه میفرمودند که مخصوصاً در این قانون نوشته است خانه های مسکونی اردان هر نوع مالیات معاف هستند پس این ایرادی را که میفرمایند وارد نیست و بر فرض هم که همچو ایرادی در باب خانه باشد وقتیکه بنده خانه‌ها میسیریم ممکن بود مذاکره کنند بنده خیلی مایل بودم که آقای مدرس و آقای حاج شیخ اسدالله این نکته را بفرمایند که وقتیکه يك کسی يك دهنی دارد و از آن ده يك منافی باو عاید میشود تصدیق میفرمایند که باید بر آن ده مالیات تعلق بگیرد وقتیکه همان منافع را از يك دکان میبرد باید برای آن قانون مالیات وضع نشود ؟ ببقیده من قانون مستقلات یکی از بهترین قوانینی است که ممکن است وضع شود و یکی از بهترین قوانینی است که در عالم وجود دارد پس از این نقطه نظر نمیشود هیچ ایرادی بر این قانون وارد کرد و گفت باید سیر کرد تا بودجه بیاید و به بینم جمع و خرج ما توازن میکنند یا نه اگر موافقت کرد قانون دخانیات را وضع کنیم باین فلسفه میگویند باید از قانون مستقلات صرف نظر کرد بنده عرض میکنم که برای پر کردن خانه های خالی بودجه برای مخارج مملکت حتماً هم بوضع قانون مستقلات و هم بوضع قانون دخانیات و هر چه قانون دیگر مجبور هستیم و از مد نظر احتیاج اگر نگاه کنیم قانون مستقلات یکی از قوانینی است که اساسش بر روی انصاف گذاشته شود بنابراین ببقیده بنده این مخالفتی که فرمودند هیچ وجه وارد نیست

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است ؟

مدرس - اجازه بفرماید ؟

رئیس - قبل از جنابالی ۲۵ نفر اجازه خواسته اند - رای میگیریم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست - آقایانیکه در کافی بودن مذاکرات موافقت قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - رای میگیریم داخل در مواد شوم یا نه - آقایانیکه تصویب میفرمایند داخل در مواد شوم قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - اگر مخالفی نباشد جلسه بماند برای شب بیست و چهارم

سردار معظم - شب ۲۴ خیلی دیر است شب ۱۸ مقرر شود

رئیس - پیشنهاد میکنند جلسه آینه شب بیستم منقذ شود - آقایانیکه پیشنهاد آقای سردار معظم را تصویب میکنند قیام نمایند

(غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - دستور شب بیستم قانون مستقلات و اعتبارنامه آقای نوام الدوله است

مشار الدوله - در باب پیشنهاد آقای حاج عز الممالک در باب تمدید کمیسیون سه نفری چون وزارت مالیه ترتیب درستی ندارد خوب است قراری داده شود

رئیس - بلی صحیح است جزء دستور امشب بود اگر مخالفی نباشد این مسئله را قبل از قانون مستقلات قرار میدهم

سلیمان میرزا - جلسه قبل بنده یادآوری کردم حالاً یادآوری میکنم که يك عده اشخاصی را بیخود مطلق کردن گویا پسندیده نباشد اعتبارنامه دو نفر از نمایندگان دو شصت است یکی را خبر داریم که مدتی است راپورتش در شنبه نوشته و هنوز بمجلس نیامده است فاصله میان شنبه و مجلس نمیتوانم چقدر است یکی دیگر هنوز در شنبه مطرح نشده است تکلیف اشخاص را باید زودتر معین کرد اگر اعتبارنامه آنها صحیح است و وکیل هستند که باید معلوم شود و اگر هم وکیل نیستند بروند مشغول کارهای خودشان بشوند چرا مجهول التکلیف باشند بنده تقاضا میکنم اعتبارنامه آقای زنجانی و صدر الاسلام که تا بحال بلا تکلیف مانده زودتر بمجلس بیاید در صورتیکه راپورت آقای زنجانی در شنبه نوشته شده و حاضر است

رئیس - بنده میخواستم این مطلب را امشب اظهار کنم که از (۱۷) شبان تا بحال این اعتبارنامه در شنبه هستند و رسیدگی نشده است یکی را بهر طور بود رسیدگی کردند ولی راپورتش را ننوشتند از شنبه پنجم خواست دارم حالا که میفرمایند تشریف ببرند چون بعضی مذاکرات در جلسه خصوصی داریم و وقت ندارند شنبه را منقذ کنند فرداشب که کاری نیست شنبه پنجم را منقذ کنند و شنبه ششم هم پس فرداشب و شنبه اول هم شب بدهش منقذ شود که برای جلسه ابتدا این اعتبارنامه‌ها حاضر باشد

ناصر الاسلام - در جلسه قبل که بنده حاضر نبودم این مسئله با يك اهمیتی در مجلس تعقیب شده بود نمیتوانم در این موضوع (این مجهول التکلیفی) چرا اینقدر اهمیت پیدا کرده مخبر شنبه پنجم بنده هستم یکی دو جلسه کسالت داشته و نتوانستم حاضر شوم چنانچه در مجلس هم نبودم و امشب که آقای رئیس مذاکره کردند آن صورت جلسه را خواستم و در موقعیکه قانون یستی مطرح بود هیچ گوش نادم و مشغول مراجعه صورت مجلس بود و از طرف

بنده هیچ قصوری نشده است و گمان نمیکنم فاصله مابین شعبه و مجلس فاصله ممتدی نیست و تصور میکنم که هیچ نظر خارجی و خصوصی در این کار نبوده بنده الان حاضر راپورتش را بنویسم و تقدیم مجلس کنم که در بعضی پیش آمده قصور و تقصیر بنده متوجه بشود که تصور نکنند یک نظر در تعطیل او او بوده است .

رئیس - گمان میکنم پیش از این لازم نباشد در این باب مذاکره شود همانطوریکه عرض کردم فردا شب و پس فردا شب این سه شعبه منعقد خواهد شد شعبه پنجم فقط باید راپورتش را بنویسد فردا شب مغیر بنویسد - آن دو شعبه دیگر هم شب بعد می نشینند و رأی میدهند انشاء الله این سه راپورت برای جلسه بعد حاضر میشود .

سلطان العلماء - اجازه میخواهم .
رئیس - در چه باب ؟
سلطان العلماء - در باب کاتبه .
رئیس - این مسئله در اینجا مطرح نیست .
اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنم .
(پنجساعت و چهل دقیقه از شب گذشته مجلس ختم شد)

جلسه ۵۷۴
صورت شرح مجلس شب شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۷
مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته در تحت ریاست آقای مومن الملک تشکیل و صورت مجلس شب چهار شنبه بانوادم قرائت گردید غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل سردار متمد - حاج شیخ اسد الله - نجفقلی میرزا آقا سید قاضل

غائبین با اجازه - حاج امام جمعه نظام السلطان **رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست (ایرادی نبود) صورت مجلس تصویب شد شعبه ششم و اول بنا بود پریش و دیش منعقد شود منعقد نشدند راپورتی هم که شعبه پنجم داده بود مغیر کمیسیون امضاء بکنند گویا امضاء نکرده گمان میکنم برای اینکه باید باین قبیل ترتیبات خانه داده شود و اعتبار نامه ها اینطور در شعبه نمائند بهتر این است که جزو دستور گذاشته شود امضا از اینکه مغیر امضاء بکنند یا نکنند یکی از منشی ها یا یکی از اعضاء شعبه میخواهند و اگر لازم شد لاری میگیریم باین ترتیب مخالفی هست ؟

حاج شیخ وزیر - شعبه اول دیش منعقد شد اگر اعضاء شعبه هم حاضر بودند و یک مقداری هم با اعتبارنامه سیددار مراجعه شد ولی بعد بواسطه کافندگی از ایشان رسیده بود در قبول و کالت تردید کرده بودند از این جهت راپورت داده نشد و بمقام ریاست عرض شد

رئیس - صحیح میفرمائید راپورت شعبه اول الان رسید مقصودم راپورت شعبه پنجم و ششم بود **آقای میرزا ه شم** - عرض میکنم در خصوص شعبه ششم هم شن نفر از اعضاء حاضر شدند بالاخره فرار شد شعبه بعد از جلسه با اعتبارنامه آقای صدرالسلام مراجعه شود

رئیس - دو هر صورت این دو فقره مطلب جزو دستور آتی خواهد بود ولو اینکه راپورت

بدهند یا ندهند دستور امضا طرح آقای حاج عبدالک است راجع به تعدید مدت امورت کمیسیون تقشیر و نظارت الیه باید اول قابل توجه بودن آن رأی بگیریم بعد قانون مستللات بعد رسیدگی باعتبار نامه آقای قوام - الدوله مطرح خواهد بود چون طرح آقای حاج - عزالمالک مختصر تر است اگر مخالفی نباشد در آن مذاکره میشود

راپورت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی (آقای حاج عزالمالک بمضمون ذیل قرائت گردید) کمیسیون مبتکرات در یوم شنبه ۲۰ شهر شعبان در تحت ریاست آقای شریعتدار منعقد گردید در باب طرح قانونی راجع تعدید و تجدید مدت کمیسیون نظارت که از طرف آقای حاج عزالمالک شده بود مذاکرات بعمل آمد کمیسیون مزبور طرح مذکور را قابل توجه دانسته و فوریت آنرا در مجلس مقدس نمنی مینماید .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید ؟
حاج شیخ اسدالله - خیر چون مغیر کمیسیون هشتم میخواهم توضیح بدهم این طرحیکه آقای حاج عزالمالک پیشنهاد فرمودند و راپورتیکه بمجلس آمده است مدتی طول کشیده است تاریخ آن از دم سرطان است تا مدت یکماه گمان می کنم تا وقتیکه از مجلس بگذرد و مدتش منقضی شده باشد متبده بنده این است تاریخ را از بیستم رمضان قرار بدهیم و این مسئله که کمیسیون میورد در آنجا اصلاح شود .

رئیس - در کمیسیون قوانین مالیه اصلاح می شود حالا بقابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم .

سردار معظم - بنده در اصل مطلب کمال موافقت را دارم ولی این نکته را لازم میدانم در مجلس گفته شود مدتی است قانون تشکیلات از مجلس گذشته و مطابق قوانین مملکتی باید تا بحال تمام سیرهای قانونی خودش را کرده باشد که دیگر محتاج باین رأی نشویم بجهت اینکه قانون تشکیلات مالیه بعضی کمیسیون سه نفری یک کمیسیون تقشیر و معرفی کرده است و خیلی لازم میدانم بعد از آنکه یک وزیر پیدا شد تا کدبات لازم بشود که هر چه زود تر قانون تشکیلات مالیه بموقع اجرا گذاشته شود .

رئیس - اول باید در قابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم بعد چون کمیسیون مبتکرات تقاضای فوریت کرده فوریت آن رأی بگیریم اگر فوریت تصویب شد از کمیسیون که برگشت یک شور می شود و اگر فوریت تصویب نشد که شور شود آقایانیکه طرح آقای حاج عزالمالک را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(همه کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد آقای مغیر راجع فوریت توضیحاتی دارید بفرمائید
حاج شیخ اسدالله مغیر - توضیحات بنده در این موضوع همان بلا تکلیفی مالیه است که هنوزی دارد نه معارنی یک نفر در وزارت مالیه نیست که اختیاراتی داشته باشد و یک نظارتی بصارف و مخارجی که در وزارت مالیه می شود داشته باشد هیچ توضیحی بهتر از این نیست که لازم است یک اشخاصی در آنجا

باشند و راجع بصارف و مخارج مملکتی افلا یک نظارتی داشته باشند و گمان می کنم هر چه زودتر این مطلب از مجلس بگذرد خیلی نافع و صلاح مملکت باشد .

سردار معظم - بنده با رأی فوریت حالیه مخالف هستم بعقیده بنده فرق نمیکنند این لایحه ممکن است حالا کمیسیون قوانین مالیه برود پس از برگشتن از کمیسیون این کار را بکنند زیرا گمان بنده این است کمیسیون قوانین مالیه هم با رأی کمیسیون مبتکرات موافقت داشته باشد پس از مراجعت از کمیسیون قوانین مالیه ممکن است فوریت رأی گرفته شود و یک شور بشود .

رئیس - رأی می گیریم بفوریت این طرح قانونی که کمیسیون مبتکرات تقاضا کرده آقایانیکه فوریت این طرح را تصویب می کنند قیام نمایند اغلب نمایندگان قیام نمودند

رئیس تصویب شد کمیسیون باید در موقع تنفس منعقد شود مذاکره شود و بعد از تنفس بیاروند بمجلس در رأی گرفته شود و راجع بقانون مستللات در جلسه گذشته برای داخل شدن در شور موافقتی گرفتیم حالا قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده اول - برای کلیه مستللات از قبیل دکاکین منازل خانهای اجاره انبارها کاروانسراها انبارهای گاه ها بخیالها قهوه خانه ها میدانها و غیره در شهر ها و قصبات عمده مالیات مستللات بر قرار می شود .

سلیمان میرزا - چنانچه همه مسبق هستند این مالیات شهریست و تماماً و تماماً کلی باید از برای نظایه و بلدییه صرف شود و هر کسی بفرمانده که از امنیت شهر انتقاد میکند همان اندازه در مضاجح آن سهم و شریک باشد بنابراین بنده میدانم بجهت مناسبت اشخاصیکه خانهای بزرگ ملکی دارند باید از مالیات مستللات معاف باشند در صورتیکه بکنند پلیس برای محافظت ده خانه

صدمزرعی کافیت و از برای یک بارک شاید ده نفر از آن هم کم باشند این مالیات یک مالیات مستقیمی است و هر کس بیشتر از مملکت استفاده میکند باید بیشتر خرج آن استفاده را بدهد این چنانچه می بینم بالمره از متولین یعنی از اشخاصیکه صاحب خانهای بزرگ و پارک هستند صرف نظر شده است و فقط بقرا و ضعفا منحصر شده است مسلماً فقرا و ضعفا آن قدر استطاعت ندارند که خانه ملکی داشته باشند و اغلب بواسطه نداشتن استطاعت خانه اجاره میکنند و الا یک خانه ملکی میخریدند باین این آن کسانیکه داریشان بقدر کافی نیست باید مالیات بدهند اما آن اشخاصی که شاید صد هزار تومان دادند یک بارک خریدند و سایر لوازم زندگی را او را هم دارند و بیشتر از سایر مردم از این مملکت استفاده میکنند آنها باید از این مالیات معاف باشند بنده بکلی باین ترتیب مخالف هستم و گمان میکنم در اینجا بطور مطلق باید خانه ها تماماً قید شود و لفظ اجاره قید زائد نسبت خانه ملکی هم همان حکم را دارد و همان نتیجه از آن گرفته میشود پس باید بطور کلی (خانها) نوشته شود .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - ترتیبات مالیات از روی عایدات است خانهای مسکونی خواه مال متحول خواه غیر متحول که جزو مایحتاج خودش است

و جزه عایدات او محسوب نمی شود نهایت امر یک کسی است که با اندازه وسعت خودش عمارت عالی را دارد و یک کسی است که با اندازه مال خودش یک خانه کوچک تر چون خانه مسکونی مایحتاج اشخاص و دارالسکنای آنها است چنانچه در خیلی از موارد مستثنای شده است این جا هم نمی شود تصدیق کرد که بخانهها بر سبیل اطلاق مالیات بسته شود .

میرزا محمد علیخان - عرضی که میخواستیم بکنیم بکندار زیاد آنرا شاهراده سابقان میرزا اظهار داشتند معلوم است که مقصود از فلسفه مالیات و تحیلاتی که بر اهالی یک مملکت از آن مالیات میشود برای این است که بتوان احتیاجات آنها را رفع کرد از قبیل تأمینات و تنظیمات بخصوص معلوم است که باید اهالی یک مملکت به نسبت خود باید برای مخارج مملکتی مبلقی بدهند نسبت بقانون مستللات هم اگر فرضاً مخارجی را که در مقابل این عایدات میشود بخواهیم معلوم کنیم از هر قبیل که باشد بخانههای بزرگ بیشتر سهم تعلق می گیرد تا بخانههای کوچک مسکن است یک نفر در مساحت دو هزار ذرع زمین خانهای داشته باشد که یکی از آنها خودش ساکن باشد و یکی در تالی دیگر را اجاره بدهد و در مجاورت آن ممکن است یک کسی خانه داشته باشد که دویست هزار ذرع مساحت آن باشد و خودش ساکن باشد این کسی که در یک خانه دویست هزار یا صد هزار ذرعی ساکن است مالیات بدهد و آن کسیکه صد ذرع خانه دارد چندین برابر کمتر از آن اولی مالک است و از حیث ثروت و مالکیت و غیره بست تر است مالیات بدهد بنده این را یک تعجیل فوق العاده نسبت باین قبیل اشخاص میدانم و نسبت بطرز مالیات بندی هم راجع باین مستللات شاید عرایض داشتیم و یک شکل دیگری به نظر میآید ولی در اظهارش اسماک کردیم برای اینکه مشکلاتی پیش نیاید و در کلیات هم کرای دادم خیال میکردم شاید در اظهاراتی که در ماده اول میشود تسهیل و تسجیح بکنند آنچه را که در نظر بوده و آن مسئله این است که عرض میکنم یک کسی که یک یاغ وسیعی یا یک پارک خانه مسکونی او است از دادن مالیات مستللات معاف است همین طور یک کسی که ده یک یا صد یک او از جهت مساحت زمین و وجه از حیث قیمت آنرا دارد و خودش ساکن است او هم دیناری ندهد اما دیگری چون یک خانه را اجاره داده است و عایدات فوق العاده ندارد باید مالیات بدهد اینجا از این نقطه نظر بلکه باین قبیل اشخاص تعجیل نشود باید فرض این را هم بکنیم که ممکن است شخصی خانه اجاره بدهد و یک خانه غیر از خانه مسکونی خودش داشته باشد و از آن بابت عایداتی داشته باشد اما اختلال ماش یا امر شخصی او در واقع آن شخص را یک آد با ثروت معرفی نکند و شخصی نباشد که ثروت فوق العاده برای او فرض شود اما دیگری که در یک خانه خیلی وسیعی سکنی دارد و دارائی و ثروت او هم خیلی زیاد است و ممکن هم دارد بصرف اینکه خانه اجاره نداده است خانه مسکونی خودش از آن مالیات معاف باشد بنده این ترتیب را صحیح نمیدانم و تعجیل میدانم مذاکراتی که در کلیات این قانون میشد شاید بکثیری افران بود از حیث اینکه بخواهیم

جلوگیری از تحیلات کردیم باشیم زیرا در هر مملکتی مسلم است مردم باید مالیات بدهند تا از جمع آوری آن مالیات رفع احتیاجات مملکتی بشود در مملکت ایران هنوز فقر و عدم بضاعت اجازه نداده است ولی باید بدانیم که ما نسبت بسایر ممالک دنیا هنوز مالیات هنگفتی ندهیم شاید اغلب ممالک دنیا اگر سرشماری حساب کنیم از هر یک نفری ۳۵ قران الی ۳۸ قران مالیات می گیرند در مملکت ما هنوز اینطور نیست ولی باین تفصیل مقصود بنده این است که مالیات باید با اندازه تسکن و ثروت اشخاص تعلق بگیرد و با این ترتیب بنده باین ماده مخالفم .

سردار معظم - بله اگر نظر ما را فقط معطوف به بر قرار کردن مالیات مستللات میگردیم آنوقت بنده هم حق میادیم که تفاوتی ندارد و همانطوریکه سایر مستللات مالیات میدهند همانطور هم خانهای مسکونی باید آن مالیات را بدهند زیرا اگر فرضاً صاحبان آن خانها عایداتی نقدی از آن خانها ندارند ولی همان پولی که باید برای اجاره خانه بدهند در کبسه آنها میماند بلاوجه از تمام نعمت امنیتی که سایرین بهره مند میشوند آنها هم بهره مند میشوند ولی بدو ملاحظه کمیسیون قوانین مالیه مجبور شد این نظر کلی مسؤل تمام دنیا را تغییر بدهد و یک نظریه که با وضع ایران موافق تر است اتخاذ کنند باین جهت این نظر را اتخاذ کرد یک نظر کمیسیون موافقت با نظر آقای میرزا محمد علیخان یعنی مراعات حال فقرا و یک نظر دیگرش اجرای قانون بوده است وقتی که این دو نقطه نظر را داشته باشیم قهراً مجبور میشویم که این نظری را که کمیسیون اتخاذ کرده است اتخاذ کند و بالاخره اساس مالیات مستللات دایر خود مستقل قرار ندهیم و بگوئیم یک سهمی از آنرا برای رفع حوائج مملکتی بدولت بدهند نظر کمیسیون این بود که از کلیه عایداتی که از کلیه مستللات از برای مالک حاصل میشود یک سهمی را بدولت بدهند و از این نقطه نظر املاک مستقل را مقایسه کرده است با املاک غیر مستقل و همانطور که بنده از یکدمی عایدی دارم و دولت آن ده مرا حفظ میکنند البته بنده مجبور هستم یک مبلقی بدولت بعنوان مالیات بدهم همین قضیه در املاک مستقل هم هست و هیچ فرق نمیکند پس از این نقطه نظر مالیات مستللات بر عایدات مستقل برقرار شده است نه بر کلیه مستللات دیگر اینکه عرض کردم نظر کمیسیون بیشترش برای رفاه حال فقرا بود بعضی از آقایان فرمودند بر خلاف عدالت است اشخاصیکه یار کهای دویست هزار ذرعی دارند معاف باشند بنده عرض میکنم قانون که نوشته میشود اکثریت مردم در نظر گرفته میشود نه یک عده قبلی که در واقع در حکم مستثنیات هستند اگر مراجعه کنیم بنام مملکت ایران خواهیم دید عده کسانی که بی بضاعت هستند و خانه مختصری از خودشان دارند که در آنجا زندگی میکنند چندین مرتبه زیاد تر است از آن اشخاص متولی که برای آسایش و راحتی خودشان و خانه خانهای بزرگ و یا پارکها و عمارت های خیلی بزرگ رفته اند پس اگر ما بطور مطلق یک قانونی را بر قرار میگردیم خانه های مسکونی را داخل میگردیم

حوض اینکه فشار این قانون بر متولین وارد شود آنوقت فشار این قانون بر فقرا بیشتر داد معتمد و بالاخره اگر چیزی از حیث مسکن معمول میشد وقتیکه او میدید آخر ماه مأمور میورد در خانه محقر او و مطالبه مالیات میکند یقین دارم که آن آدم هیچ وقت از این قانون اظهار خرسندی نمی کرد پس باین نقطه نظر بود که کمیسیون قوانین مالیه برای رفاه حال ضعفا و فقرا این طور قرار داد و نظر دیگری هم که بود نظر با اجرای قانون بود البته قانون را ممکن است از دو نقطه نظر نوشت یکی از نقطه نظر کنایه بدون مقید بودن با اجرای آن کتاب جسارتاً عرض خواهم کردم این قانون شمر خواهد بود اگر قوانینی را که ما بنویسیم یک محسنات فرضی برای او ذکر کنیم و رأی بدهیم اگر دقت نشده باشد و مراعات وسائل اجراء آن قانون نشده باشد آنوقت این قانون بدون این که اجراء شود معطوف خواهد شد قانون مستللات در هر صورت یک قانون تازه است و مخصوصاً وقتیکه میخواهند یک قانون مالیاتی وضع کنند تجربه بسا نشان داده است که باید خیلی با احتیاط آن قوانین را وضع کرد و باید خیلی مراعات شود و در عرض آنکه یک نتیجه خوبی برای دولت عاید شود یک مضراتی برای دولت حاصل نشود برای این احتیاط حکم میکنم که ابتداء برای سایر مستللات مالیاتی بر قرار کنیم و این قانون اجراء شود و مالیات آنها اخذ شود برای مردم هم معلوم است یک تعدیلی نیست و از برای بنده که یک دکانی دارم و یک عایدی از آن تحصیل میکنم با آن شخص که یک ملک مزروعی دارد و مالیات میدهد هیچ فرق نمیکند لهذا از نقطه نظر عدالت هم صحیح است و هیچ تفاوت ما بین ملک مزروعی و ملک مستقل گذاشته نشده و مردم هم با کمال میل و رضایت این مالیات را میدهند پس از آن بعد از یکسالی دو سال دیگر اگر دیدیم همین محل محل خوبی است آنوقت هم هیئت مقننه باقیست و ممکن است تعدید نظری در این قانون بفرمائید و خانه های مسکونی را هم بر این خانه ها اضافه بفرمائید و این قانون تکمیل شود بالاخره در اصل این قانون سه نظر متضاد است که بنده عملاً تصور میکنم نظر وسطی که همان نظر کمیسیون قوانین مالیه است بهتر آنست که یک عده که با این ماده مخالف هستند برای این است که چرا خانهای اجاره داخل است و عقیده آنها این است که خانها کلیتاً معاف باشند پس بعقیده بنده برای اینکه یک زمینه اصلاحی برای این دو نقطه نظر باشد خوبست آقایان تصدیق بنمایند آن خانهاییکه اجاره میورد و منفعتی برای صاحبانش حاصل میشود مالیات بدهد و خانهای مسکونی از مالیات معاف باشند .

منتصر السلطان - مغیر محترم فرمودند در این قانون یک اندازه ملاحظه حال ضعفا و فقرا شده است بنده میخواهم عرض کنم که در واقع ملاحظه حال اغنیاء و سرمایه داران بیشتر شده است دلیلهای فلسفه این مطلب هم این است که اگر ما بخواهیم دقت و ملاحظه در این کار بکنیم و فقرا و ضعفا را در نظر داشته باشیم بهتر این بود که از طرف کمیسیون نوشته میشد خانهاییکه در مرکز زیاد از سالی پنجاه تومان یا شصت تومان مال الاجاره ندارند در ولایات

بیست و پنج تومان تا سی تومان از دادن مالیات معاف باشند و سایر خانها مالیات بدهند در این صورت ملاحظه حال ضعفا و فقرا را کرده بودیم بواسطه اینکه هیچ فقیری و بی بضاعتی خانه اش مافی صد تومان و پنجاه تومان که سالی شصت تومان و هزار و دویست تومان میشود اجاره نمانده همیشه خانهای فقرا سالی شصت تومان و سی تومان و پنجاه تومان است اگر اینها را استثناء بکنیم و اینطور آنوقت اسم آنها عدالت و ملاحظه حال فقرا و ضعفا میشود گذاشت بنده میخواهم عرض کنم که در اینجا ما کاملا مراعات اقتضای امر کردیم نه ملاحظه حال فقرا را و اینکه یک نفر از نمایندگان محترم مثل را که اگر یک کسی ملکی داشته باشد برای حواجش است و نباید مالیات بدهد پس ما هم میتوانیم بگوئیم آنها را که دارای قراء و قضایا هستند آنها هم بنا بر نظر همین نماینده محترم برای احتیاجات خودشان خریدند یا رعیتی که کتب و نحو و غیره زراعت میکنند برای احتیاجات خود میکنند و نباید مالیات بدهند در اینجا ما میتوانیم احتیاج را ملاحظه کنیم فقط باید نظر به اداری و سرمایه باشد هر کس که مالیات میدهد نسبت به اداری خودش است یکی یکدست خانه دارد یکی پنج قریه دارد منتهی مالیات قریه و قضایا از برای مخارج ملکیتی و قشونی و غیره است مالیات خانها از برای محافظت شهر و نظمی و عدلیه است چنانچه اگر در نظر داشته باشی در مجلس گذشته دوره دوم بواسطه آن در شهر طهران مجلس مجبور شد متجاوز از سیصد هزار تومان از اصل مالیات تصویب کرد که اهالی شهر تهران از بابت آن راحت باشند مصارف در شهری را باید اهالی آن شهر بدهند لهذا عدالت این است که خانه ما هم مالیات بدهند.

مالیات بافتنیا بیشتر تعدیل شود تا بقدر این موضوع اغلب از آقایان بعضی بیانات فرمودند و بنده زیاد میدانم چیزی عرض کنم ولی ممکن است نسبت به خانهای کوچکی که بقدر مالک هستند همین کرد که خانها را که تا دویست پنجاه و سیصد تومان قیمت دارد از دادن مالیات معاف باشد ولی آن جنبه که ما تصور میکنیم که باید بر عایدات مالیات بستن را را نمیشود که لا بوقع اجرا گذشت زیرا ممکن است یک اشخاصی عایدات فوق العاده داشته باشند و یک مقدار آنرا صرف چندین یازک و چندین خانه عالی و گردش کاها و ویلاوات بکنند و ما بگوئیم اینها عایداتی نخواهد داشت و برای آنها هم فرقی نخواهد کرد و چندین یازک و چندین عمارت داشته باشند و از این نقطه نظر ممکن است یک سرمایه داری فقط یک کرور قیمت یازک و خانه او باشد و از آن بابت چیزی ندهد ولی فلان آدمیکه ماهی پنج تومان گریه خانه میدهد و این مبلغ را بجزمت از دست ندهد خود تحصیل میکند با بدهی در سال مالیات بدهد علاوه طبیعی است که اگر مالیات هزار نفر از اینها حساب کنیم تازه بقدر یک نفر که دارای یک یازک عمارت است نخواهد شد بنابراین آن تریبی را که آقای مغیر فرمودند با متوالین نیست صحیح است اکثریت با متوالین نیست ولی از این نقطه نظر وقتی ملاحظه کنیم تصدیق خواهیم کرد که اگر اکثریت فقرای مالیات بده را روی هم بگذاریم بقدر نصف اقیانوس نخواهد شد و علاوه بر چیزی ضرری نخواهد داشت که آقایانیکه دارای خانه های بزرگ و بارگاهها هستند بقدر مواجب یک باقیانوم بدولت بدهند و دولتی که آنقدر بیول محتاج است بیک قدری از این زحمت خلاص شود و البته آن اشخاصیکه از بیایس (اونی قره) خوششان می آید و میل دارند گردور خاک خیابان رزین کالکشانرا خراب نکنند لازم است یک مقدار هم مالیات بدولت بدهند که در واقع بشود چیزهای ضروری را فراهم کرد و نظمی را باین ترتیب نگاه داشت و بشود در سایر شهرها هم نظمی تاسیس کرد بنابراین بنده بکلی مخالفم با اینکه لفظ اجاره ذکر شود و شاید اغلب از آقایانم در این موضوع پیشنهاد کرده باشند که عرض خواهد رسید.

یکی زیادتیر نفع دارد یکی کمتر و لیکن بنده در اصل مطلب عرض میکنم این خانه های اجاره که اینجا نوشته اند خیلی اطلاق دارد مثلا بنده یک خانه دارم و یک اطاق آن را بیک کسی اجاره میدهم بمانی پنج هزار با سه قران و مدیطور خوبی از خانه ها هست و مال الاجاره اش سالی پنج تومان است و اگر درست حساب کنیم این مبلغ پنجارچش وفا نخواهد کرد علاوه بنده عرض میکنم خوبست تمام ملکیت ایران نظر بیندازند و ببینند که در غیر از طهران و مشهد در شهرها و قضایا دیگر خانه های اجاره خیلی نادرالوقوع است خانه اجاره منحصر بطهران و مشهد است یعنی آن شهرهایی را که بنده دیدم اصفهان و شیراز و یوشهر خانه اجاره نیست فقط در طهران قدری خانه اجاره هست در مشهد هم هست شاید در بعضی از بنا درهم باشد لهذا بنده عرض میکنم خوبست این خانه ها را که صاحبش در پارلمان زیاد میشود و بالاخره گمان میکنم چندان نفی عاید دولت شود از ماده اول این خانه ها را بیندازند و باقی را مطرح مذاکره قرار بدهند و اما آن فرمایشی که آقایان در اصل خانه میفرمایند و خیلی عجیبات همین خانه ها پنج هزار و ده هزار ذری را که میفرمایند صدیک خانه های دیگر نیست و تمام تعدیل بر فقرائی که صاحبان خانهای صد ذری و دویست ذری هستند میشود خوبست آقایان بیرون طهران را ملاحظه کنند و ببینند آن شری که بر فقرا وارد میشود صد یک بر افتاب وارد نمیشود صحیح است یک یازک و یک خانه ده هزار ذری میشود نسولی آن کسیکه یک خانه ده هزار ذری دارد صد نفر آدم در آن ده هزار ذری زندگی میکنند و اگر حساب کنیم تقری دویست ذری میشود لهذا بنده تقاضا میکنم (خانه ها) را بکلی از این ماده بردارند بواسطه اینکه دائره وجود کم است و زحمتش زیاد و گمان میکنم برای دولت عایدی چندانی داشته باشد و در سایر مستغلات مذاکره میکنم و البته رای رای مجلس است.

مجلس الدوله - در مذاکراتی که در آیین قانون مستغلات میشود بنده پیشنهاد میکنم مابین مالیات عایدات مستغلات و مالیات ثروت شده است این را کاملا آقای مدرس توضیح دادند مسلم و محقق است که باید اول بدانیم مالیات یک وجهی است که تعدیل بر اشخاص میشود و بهایه آخری مالیات آن قسمت از عایدات است که هر کس برای انتفاع از آسایش و امنیت ملک و راه افتادن دستگاه دولت کمک میکند و بهین نظر است که قانون مستغلات را در نظر گرفته اند بهیچ اینک مالیات مستغلات بر فراز بوده و یک چیز تازه نیست منتهی بطور کلی و بیک ترتیب صحیح نه بوده و در جزو جمع های قدیم یک اثری از او هست و الان هم معمول است و میگیرند منتهی به ترتیب صحیح نیست در حقیقت این مالیات یک سهمی است که ساکنین یک شهری برای احتیاجاتی که دارند و برای امنیت آن شهر کمک میکنند و بهایه آخری مالیات یک پولی نیست که بطور قهر و غلبه و زور گرفته می شود و اینکه ذکر میشود تعدیل بنده هیچ مسئله تعدیل را نمی توانم قبول کنم بلکه این مالیات یک چیزی است که اشخاص از برای مصارف عمومی و نظمی یک مملکتی شرکت میکنند در این صورت

چنانچه ذکر شد و یکی از آقایان فرمودند این مالیات مالیات است که بر عایدات بسته میشود و البته همین قسم که امور مالیات مرتب شدو چرخهای مالیات خوب بگردش افتاد دولت و مجلس مراقبت خواهند کرد که مالیاتهای دیگر وضع شود و چشمه های عایدات که یکی از آنها هم مالیات بر ثروت خواهد بود زیاد شود بجهت اینکه امور مملکتی بسته به مالیات است که مینموند و البته باید این را هم در نظر داشت که مالیات خوب صرف شود پس بنا بر این مقدمه این مالیات بر عایدات است و فقرا آن خانه ها را که مسکونی است استثناء میشود بجهت اینکه آنها عایداتی ندارند اما در اینجا بعضی آقایان مذاکره فرمودند که یازکهای دولت هزار ذری مستغلات خواهند بود و برخانهای کوچک که با اجاره میرود مالیات بسته میشود اول اینها دو جسته و مالیات بر آن مستغلاتی است که بهر دو اجاره با صاحبش میدهند تا با از این گذشته اگر بخواهیم بخانه های مسکونی بکنیم بیندازیم و به بینیم آنها در چه حالی هستند این بار که را که میفرمایند عبارت از دوسه تا است و از چهار پنج تا تجاوز نمی کند آنوقت بر میگردد یک همه کثیری از مردم که شاید خانهای وسیعی با آنها رسیده است و اگر نظر کنیم می بینیم اشخاصی که در آنها نشسته اند حکم سرایدار را دارند و بفلک زندگی میکنند که شاید مشتری برای آنها پیدا کنند چنانچه اگر امروز اعلان شود ما میخواهیم دو هزار خانه بخریم پنج هزار نفر رسید فروش حاضر میشوند بجهت اینکه صاحبان آنها محتاج و در حکم سرایدار هستند و اگر درست برای این خانه را ملاحظه کنند خواهند دید که بقدر تعمیر کردن آنها ندارند و این خانه از بنا آنها رسیده و بگردنشان افتاده است پس وقتیکه از آنها تقاضای یک مالیاتی بشود خواهند گفت مشتری پیدا کنید تا من اجاره بدهم یکی میگوید من یکی دو اطاق بیشتر لازم ندارم این جا بیرونی و اندرونی و سرطوبه دارد من دو اطاق حاضر می بینم بقیه آنها را شما سناجر پیدا کنید و یا بفروشید مشتری هم پیدا خواهد شد پس بر طبق قانونیکه میگذرد و اثر بنا شود از اینها مالیات گرفت مآبند و این خانها را به نسبت خانهای مجاور تقویم میکنند و میگویند این خانه در ماه سی تومان اجاره دارد هر چه بگویند من پنجاه تومان عایدی برای مخارج خود ندارم این خانه بگردن من افتاده و نمی توانم بگذارم بیروم کسی از او قبول نخواهد کرد باین ملاحظاتی بود که کمیسیون اینها را مستثنی کرد اما در مقابل فرمایش یکی از آقایان که فرمودند کایه خانها را مستثنی کنیم اینطور نیست برای این که اگر بخواهم خانهای را که با اجاره داده می شود در مستغلات دکان مستثنی کنیم و فقط از دکان و مستغلات تقاضای مالیات کنیم طولی نمیکشد که یک عده زیادی از اشخاصیکه پول شانرا صرف ساختن دکاکن و رفیع احتیاج مردم میگردانند من بعد دیگر نخواهند کرد علاوه اگر در طهران نظر بفرمایند از روز اول که روی آبادی گذاشته خانهای اجاره زیاد شده هر شهری که روی آبادی میکند در این صورت

میشود احتیاج بهانه های اجاره می زیادتر میشود و هر قدر تمین زیادتر شود مردم بداندند نباید خانها را نگاهدارند و معطل کنند اجاره میدهند مالیات هم میدهند بخصوص وقتیکه مصرف صحیحی هم در نظر گرفته باشیم که آن مصرف مصرف امنیت و انتظام شهر باشد چنانچه در نظر گرفته شده است هر مالیات که در شهر بسته میشود به مصرف نظمی و امنیت آن شهر بسته میشود پس خوبست آن آقایان که در نظر دارند خانهای مسکونی مالیات بدهند در همین قانون نظر کنند که نوشته شده است اگر یک دکان ۳ ماه با اجاره ماند از مالیات معاف است و خانهاییکه با اجاره نرفته است خیلی هستند و میتوانم بطور تحقیق عرض کنم که اگر عده قسمت دو قسمت خانها برای اجاره حاضرند در این صورت از آنها نمی شود مالیات گرفت یعنی خیلی ظلم است و زحمت هم دارد و آنها جز اشخاص با ثروت نیستند و فقط یک ثروت منفی دارند یعنی وقتیکه بپردشان برسند می بینند که خانهاشان دوسه جا گر است.

و حیدر الملک خیلی خوب بود که دولت اصلا مالیات نمی گرفت یعنی از برای هیئت مقننه یک نیک بختی بود که هیچ وقت داخل این بحث نمی شود هیچ مالیاتی وضع نمی کرد بجهت اینکه بالاخره وضع مالیاتها منجر بعدم رضایت میشود مردم در اصل بدادن مالیات راضی نیستند اما بدین تخته تجربه با آموخته است که عایدی مستقیم دولت رفع حوائج دولت را نمی کند یعنی عایدات خالصه و عایدات دیگر دولت از قبیل فروختن نمیر بستانخانه و تلگراف خانه که عایدات مستقیم دولت است رفع حوائج دولت را نمی کند قشون از برای دولت نمی شود و زانوارم و نظمی نمی شود بالاخره هیئت مقننه مجبور می شود برای یک رفع حوائج دولت وضع مالیات کند آنوقت است که اول تولید اشکالات است ولی بالاخره در فلسفه مالیات گذاری سه چیز باید ملحوظ شود یکی اینکه از روی مساوات و اعتدال واقعی مالیات بسته شود و یکی این که عملی باشد دیگر آنکه دارای نتیجه باشد یعنی یک نتیجه مطلوبه برای دولت حاصل شود حالا از روی این نظرها باین قانون نگاه میکنیم بعضی از آقایان فرمودند که این مالیات از روی عدالت نخواهد بود باین معنی که یک تعدیلی بر یک دسته از مردم و بر دیگران تعدیلی نمی شود آقای مغیر هم گویا فرمودند در صورتیکه بخانه های شخصی و مستغلاتی که استفاده خصوصی از آنها میشود مالیات بسته شود عملی نخواهد بود اما راجع به موضوع اول یعنی آنها را که میگویند این قانون یک تعدیلی بر یک عده مردم که از ضعفا هستند خواهد کرد و اقتضا را خارج کرده است مناسفانه بنده می بینم عقیده خود همین است مخصوصاً در این مملکت می بینم قسمتی از مردم بطور عموم تا بحال مالیاتهای بانواع و اسامی مختلف میدادند ولی بطور غیر منظم و بطریقی که دولت استفاده صحیح از آنها نمیتوانست بکند ولی آنها همی که ممکن بوده است مالیات صحیح بدهند و استفاده همه از مملکت میکردند متعجب مضاج آن نمیشدند و این قانون هم بطوریکه اینجا نوشته شده است باز بان اشخاص تعدیل نمیکند اینجا ذکر شد که این مالیات روی دخل عایدی گذاشته شده است بنده عرض میکنم چه ضرر دارد که این مالیات

روی استفاده گذاشته شود این مالیات مالیات درآمدی نیست که آقای مدرس فرمودند بر روی عایدات مستقیم اشخاص است مالیات باید بر روی استفاده املاک چه ساخته چه نساخته بر روی همه باید گذاشته شود این مالیات بر روی املاک ساخته خواهد استفاده خصوصی از آن بشود خواه استفاده عایدی باید گذاشته شود تا زکی هم ندارد و دو سه جا رسم است بر روی املاک ساخته که مالیات بلکه سه مالیات گذاشته میشود یکی مالیات عایدی است که روی املاک و مستغلات اجاره از آنها میشود حتی از در و پنجره و هوای خانه مالیات میگیرند یکی دیگر هم مالیات بلدیست که از برای بلدی و نظمی شهر گذاشته میشود و یکی دیگر هم مالیات محله است که از برای مرخصخانه ها و مدارس مجانی محله گذاشته میشود بالاخره این یک چیز تازه نیست بهتر این است که در این قانون دو چیز جمع شود یکی اینکه از عایدی املاک ساخته اجاره مالیات گرفته شود و یکی اینکه در روی استفاده خصوصی املاک ساخته که خانها و بارگاههای خصوصی باشد مالیات گرفته شود فلسفه اش که معلوم است برای اینکه بالاخره این مالیات باید از برای نظمی و امنیت شهر صرف شود و هر جاتی که ممکن است نظمی و امنیت شهر صرف شود ممکن است میزنی کنند و شروع بگرفتن مالیات از مستغلات نمانند و مستقیما بصرف نظمی برسانند بالاخره نظمی باید از یک جایی درآمدش پیدا شود ما که بقدر آمد خصوصی از برای نظمی نداریم بهتر این است که همین جا برای داشتن یک نظمی صحیح شروع کنیم و در هر جا که ممکن است نظمی دائر کنیم امنیت آنها را بواسطه گرفتن همین مالیات تضمین کنیم و ضمناً یک ترتیبی باشد که تعدیل بر ضعفا و فقرا نشود و باشد خانهای خصوصی را که کوچک هستند و صاحبان آنها بی بضاعت هستند از این قانون خارج کنیم و باقی را که متعلق باشخص مشول یا اشخاصیکه تاحدی بی بضاعت نیستند صاحبان آنها را بدادن مالیات برای امنیت شهر و اطراف شهر مکلف کنیم بقفیده بنده خارج از عملی بودن هم نیست برای اینکه برای این کار یک کمیسیونی و دفتری لازم است که هر شهری و هر جاتی که این مالیات بر قرار میشود باید یک دفاتر مخصوص داشته باشد و آن اداره که از برای اینکار برقرار میشود ممکن است شروع بمیزی و نگاه داشتن دفاتر مخصوص برای کلیه املاک ساخته و مستغلات و بعضی چیزهای دیگر که در اینجا حذف شده است بکنند که در آن دفاتر کلیه مستغلات شهر ثبت شده باشد که بعد ما هم برای احصایه ها خیلی مفید میشود پس این فوجیه که عرض کردم که یکی رعایت تعادل و یکی رعایت بودن در این قسم ملحوظ میشود و اما راجع به مسئله سوم (یعنی نتیجه) آنرا حالا نمیتوانم بدست بیاید و هنوز داخل عملیات این مالیات نشده ایم و فی الحقیقه نمیتوانم چه قدر مالیات باید بدهد خواهد شد ولی اگر همین طوریکه امروز اینجا نوشته شده است فقط از مستغلات اجاره مالیات بگیریم باین نتیجه خیلی کمی با عاید خواهد شد و بنده بقیه دارم یک مبلغ خیلی کمی خواهد بود و شاید بیش از خرج

مختص السلطنه - بنده تصور میکنم که مالیات گذاری برای این است که رفع باره حوائج بشود این نقطه نظر را که در نظر گرفته ایم آنوقت باید این را هم در نظر گرفت که مالیات گذاری چیزی نیست هر روز بشود آنرا تجدید کرد بنابراین وقتیکه مالیات گذار قانون وضع میکنند باید اطراف آنرا کاملا در تحت نظر بیاورند که پس از مدت کمی محتاج شود که آن عمل را تجدید کند نقطه نظر ثانوی در مالیات گذاری این است که همیشه باید

چون آقا اصل مطالب را مختصر بیان فرمودند بنده هم دیگر هر ایش خودم را تکرار نمی کنم ایشان میفرمایند مالیات بقدر ثروت داده شود در حالیکه اینطور نیست آقا مالیات نواز که بر قرار میشود بکنفر که دارای ثروت است باید صد تومان بدهد و بکنفر که چیزی ندارد یک تومان اینطور که هست مالیات بر عایدات اشخاص است این جا هم همان نظر کمیسیون قوانین مالیه مالیات را بر عایدات قرار داده و بر خود ساکنی و مستغلات قرار داده است و بالاخره مجبور از طرف کمیسیون عرض کنم که از اغتیاب نظریه سازی شده است الحمد لله بیک قسمت اعظم اعضاء کمیسیون یک اشخاص هستند که طرفدار فقرا هستند و همان اکثریت مدافعه میکرد و نمی گذاشت طرفداری از اغتیاب بشود ولی متأسفانه در کمیسیون نظر دیگر داشتند و حال تغییر عقیده داده اند

دفتر داری و اداره که برای اینکار تهیه میشود عاید نشود اما اگر شروع کنیم به میزبانی کلبه شهر ما و این عایدی را توسعه بدهیم یقین دارم یک عایدی صحیحی از این قدم باواصل خواهد شد و یک تعجب زیادی هم بماند مردم نخواهد شد پس باید نظر ما که عرض کردم اولاً رعایت امتدال و تعادل اقتضای میکند که جاهای خصوصی و بانها و بارگاهها هم یک سهمی در دادن این مالیات برای حفظ خودشان و نظم شهر و امنیت اطراف داشته باشند و ثانیاً این کار عملی میشود که بالاخره نتیجه مطلوبه بدست میآید این راجع بکلبه اینجاده بود ولی چند فقره جزئی هم بود که میخواستیم خاطر نشان آقای مخبر بکنیم یکی اینکه لفظ مستغلات را در اینجا تفسیر و معنی نکرده است بهتر این است در این قانون که قانون مستغلات است لفظ مستغلات باملاک غیر منقول ساخته تفسیر شود یا یک ترتیب و وضع دیگری این لفظ تفسیر شود یکی دیگر اینکه در اینجاده لفظ (و غیره) نوشته شده است (و غیره) قانونی نیست لفظ و غیره در موارد قانونی خودش یک تفسیری لازم دارد دیگر اینکه میگوید (و میدانه) بنده گمان نمیکنم میدان جز مستغلات باشد آنها را که بنده دیده‌ام یقین ندارم که ساختمانی داشته باشد و جزء مستغلات نباشد کاروانسرا صحیح است امامیدان جزء مستغلات نباشد و دیگر اینکه یک درج خلی هم است حذف کردند مثلاً کارخانه جات را اسم نبرده در حالتی که کارخانجات در هر شهری خیلی مهم است دیگر آسیاها که در اطراف شهر است و ممکن است یک عایدی خیلی خوبی بدوایت بدهد بالاخره پس از این شرایط ماده اول بقیه بنده اگر این طور نوشته شود بهتر خواهد بود که برای کلبه مستغلات یعنی املاک غیر منقول ساخته از قبیل خانهها و منازلها و دکا کین و انبارها و کاروانسراها و مهمانخانهها و نایشگاهها و میخانهها و قهوه خانهها در شهرها و قصبها هم مالیات مستغلات برقرار میشود و چنانچه عرض کردم آسیاها و کارخانجات را هم باید اضافه کنند و لفظ و غیره که خودش باید تفسیر شود حذف شود و بالاخره اگر این کلمه را حذف بفرمایند و مستغلات را تفسیر کنند کافی خواهد بود لهذا بنده پیشنهادی کرده‌ام و تقدیم میکنم شاید پسند شود.

سردار معظم مخبر - آقای وحیدالملک با یک فصاحت و بلاغت کاملی عقیده مصنفین بزرگ اروپا را در کتابخانه‌شان دارند و بنده هم دارم بیان فرمودند ولی در اینکه امامت مقتضیات اجراء آن عقاید در این جا موجود هست یا نیست ممکن است میا بنده و ایشان اختلاف نظری حاصل شود البته اگر در ایران تمام مقتضیاتی که در قرآن موجود است موجود بود هیچ محتاج نبودیم که خودمان را زحمت بدهیم و یک مواد مخصوصاً که موافق با مقتضیات مملکت باشد بنویسیم و تمام فرمایشات را که فرمودند از آن کتب ببردیم و عیناً بفرماییم ترجمه میگردیم و اجرا میگردیم و لیکن بدبختانه یا خوش بختانه اختلاف فوائیدی که در تمام عالم هست بواسطه مقتضیات مملکت است باین واسطه در یک مملکتی که مقتضی این است که یک قانون برقرار شود در حالی که در مملکت دیگر بواسطه همان مقتضیات مملکت باید آن قانون جرح و تعدیل شود و طور دیگر نوشته

شود البته در مملکت ما هم اگر مثل جا های دیگر اکثر مردم در خانههای اجازه زندگانی میگردند و اغلب خانها در دست متولین تمرکز پیدا میکرد البته بنده هم تصدیق میگردم ولی البته تصدیق میفرمایند که در مملکت ما بکل بر خلاف این است در مملکت ما اشخاصی که در خانههای اجازه زندگانی میکنند نسبت با شخصیکه در خانههای شخصی منزل دارند بدون تفاوت ثروت (چه منزل کردن در خانههای شخصی در ایران هنوز عادات دارائی نیست در صدی یک یا دو دو است پس اکثر مردم را باید تصور کرد که در خانههای شخصی خودشان سکونت دارند) این طبیعت مملکت ماست حالا اگر بخواهیم وضع تغییر بکنند مردم عادت بکنند که در خانههای اجازه منزل کنند (چنانچه از چند سال باین طرف در طهران رو باین طریق میرویم) آن یک بحث دیگری است ولی وقتیکه قانون میگذاریم باید ملاحظه اوضاع حاضر مملکت را بکنیم چنانچه عرض کردم فقط مضی اشخاص هستند که خانههای شخصی دارند و در خانههای اجازه زندگانی میکنند بجهت نظر کمیسیون فوائین مالیه اساس این لایحه قانونی را بر املاک مستغلات قرار نداد بجهت اینکه اگر این اساس را اتخاذ میکردیم تقریباً بیشتر تعدی میشد تا بر متولین بجهت اینکه آن همه که متول هستند و خانههای وسیع دارند و برای آنها دادن مالیات هیچ نوع تعدیلی نخواهد بود یک عده قبلی هستند ولی آن عده که در خانههای خودشان منزل دارند و بضاعتی ندارند عده‌شان خیلی زیادتر است و فقط از باب مسکن خودشان مطمئن و آسوده خاطر هستند و وقت خودشان را صرف کسب روزی میکنند وقتیکه بنا شد یک همچو ترتیبی را برای کلبه مستغلات قرار بدهیم این یک تعدیلی بر آن مردم بیچاره خواهد بود در این جا در ضمن فرمایشات خودتان بیان فرمودید که در مالیات هائی که ما تا بحال وضع میگردیم متولین معاف بودند من تصور میکنم اشتباه فرمودید بجهت اینکه تصدیق خواهید فرمود که یک قسمت اعظم از مالیات مستقیم ما از املاکی است که صاحبان آنها جزء متولین محسوب میشوند و مالیات املاک شانرا بدهند پس در دادن یک سهمی از عایدات خودشان شریک هستند فرمودند در مالیات باید اساس مساوات باشد عملی هم داشته باشد هر سه اینها را بنده تصدیق دارم و میگویم در این لایحه هر سه مراعات شده اما آن قسمتی که راجع بر رعایت مساوات است ما میگویم هر کسی که از این راه یعنی از راه داشتن املاک مستقل یک عایداتی دارد یک قسمت از عایدی خودش را بدولت بدهد ام از اینکه فنی باشد یا فقیر هر که میخواهد باشد میگویم یک قسمت از عایدی خودش را بدولت بدهد پس اساس مساوات کاملاً منظور شده است بجهت اینکه ما هیچ کس را استثناء نکرده ایم بجز اینکه یک کسی که عایدی دارد میگویم باید یک قسمت از آنرا بدولت بدهد عملی بودن هم بیشتر از آن نظر جناب عالی ملحوظ شده است بجهت اجرای آن چهار اشکال تدریجی و تصدیق خواهند فرمود که اگر ما یک مرتبه بدون تجربه بطور (تدریجی) وضع میگردیم که مالیات مستغلات باید بر تمام مستغلات تعلق بگیرد آنوقت من نمی دانم چه طور مطمئن میشدیم که این قانون قطعاً در تمام بلاد

ایران اجرا شود من تصور میکنم که یک قدری باید زیادتر در این مسئله مطالعه کرد و قدم اولی را برداشت یعنی ابتدا یک مالیاتی بر عایدات مالک از راه داشتن املاک مستقل بر قرار کرد و پس از یکی دو سال دیگر قدم دوم بر داشت و هر وقت که مقتضات آن مقتضی داشت تجدید نظر در این قانون بکنند قدم دوم را بر دارد و خانههای مسکونی را یک شرط معینی داخل کند و اما دارای نتیجه بودن این یک چیز است که برای بنده و جناب عالی هر دو نامعلوم است بجهت اینکه هنوز نمی دانیم چه قدر املاک است و چه قدر عایدی خواهد داشت و ما از آنها چه قدر مالیات خواهیم گرفت این یک چیز است که فقط تجربه و عمل به ما نشان خواهد داد پس بنا بر این که شرط آنرا که فرمودند کاملاً در این مسئله مراعات شده شرط سوم شاید مراعات شده باشد شاید مراعات نشده باشد در هر صورت بقیه بنده در وقت عمل تجربه به ما نشان خواهد داد که در این شرط هم مراعات شده است بنا بر این بنده تصور میکنم خوب است یک قدری از نظر اینکه در سایر جاها ملحوظ میشود صرف نظر کنیم و یک قدری ملاحظه کنیم که در این قانون هم مثل قوانین دیگر بدون اجراء نمائید یعنی یک قدری عملی تر بشویم و با اطلاع اینکه قانون گذاری سایر جاها داریم مقتضیات مملکت خودمان را در نظر بگیریم و طوری قانون وضع کنیم که بعد از اینکه قانون از مجلس گذشت چهار معظورات نشویم نیست) - رای میگیریم - آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - مذاکرات کافی است - چهار فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود

(چهار فقره پیشنهاد بهضامین ذیل قرائت شد)

(پیشنهاد مشارالدوله)

بنده پیشنهاد میکنم که خانههای شخصی هم از این مالیات معاف باشد

پیشنهاد مؤبد الاسلام

بنده پیشنهاد می کنم که خانههای ملکی که کمتر از نیمه ذرع مساحت دارد از دادن مالیات مستغلات معاف باشند لیکن خانههاییکه زائد از نیمه ذرع مساحت دارد باید مالکین آنها از عهده مالیات مستغلات بر آید

(پیشنهاد آقای سردار سمید)

پیشنهاد می کنم که خانههای ملکی که مالک در او ساکن است تا میزان ۱۲۰ تومان در تهران و ۶۰ تومان در ولایات اجازه سالیانه از مالیات مستغلات معاف باشد و بیش از این مبلغ مالیات خود را موافق معمول بپردازد

(پیشنهاد وحید الملک)

پیشنهاد می کنم ماده اول اینطور نوشته شود برای کلبه مستغلات یعنی املاک غیر منقول ساخته در شهرها و قصبها عهده مالیات مستغلات برقرار میشود

رئیس - چنانچه ملاحظه میفرمایید یک قسمت از این چهار فقره پیشنهاد حذف لفظ اجازه از ماده اول لایحه است در آن رای میگیریم اگر تصویب شد بعد باید در مستثنائاتی که آقای مؤبد الاسلام و سردار سمید تذکر شده رای بگیریم با مستثنای

آقای مؤبد الاسلام راجع است تمام املاک اعم از اینکه شخصی باشد یا اجاره و استثنای آقای سردار سمید راجع است بهانههای مسکونی پیشنهاد وحیدالملک هم راجع بتفسیر لفظ مستغلات است

مخبر - بقیه بنده در ماده نهم درای گرفت چون شورا ل است

رئیس - راجع بماده نهم راجع به پیشنهاد است

مخبر - چون فرمودید با حذف کلمه (اجاره) باید رای گرفت

رئیس - خیر گفتم پیشنهاد آقای مشارالدوله در واقع عین ماده است با حذف لفظ اجازه چون آقایان رای می دهند باید بدانند بجهت رای می دهند اصلاحی هم از طرف آقا مدرس است قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول قانون مستغلات بدون خانها نوشته شود

رئیس - اول باید رای بگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مشارالدوله پیشنهاد آقای مشارالدوله باز قرائت میشود اگر توضیحی لازم است بدهند بعد رای میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - توضیحی دارید

مشارالدوله - گمان میکنم بقدر کفایت آقایان توضیح داده‌اند ولی باز اگر توضیحی لازم باشد عرض میکنم مسئله دوتا است باید به پیش این مالیات مالیات نیست که روی اجازه است یا روی ملک اگر روی اجازه است بعضی اینکه باید مالیاتی وضع کنیم فوراً مالکین بوجه اجازه شان میفرمایند بالاخره این مالیات میشود روی مستاجرین و از کسبه مالکین خارج نمیشود و مستاجرین که خانه ندارند این مالیات را میدهند و آن اشخاصیکه صاحب خانه های بزرگ شخصی هستند مالیات نمی دهند و این خانهها خانههای لازم نیست که در آن سکنا کنند بجهت اینکه خانههای ده هزار بیست هزار ذریع جزه تحصیل است و جز خانه نیست که شخصی باشد از برای یک نفر خانه پنج هزار دو هزار ذریع کافیست بیش از این بنده توضیحی ندارم

مخبر - سؤال فرمودند که آیا این مالیات بر ملک است یا عایدی بنده دو دفعه عرض کردم که این مالیات بر عایدی املاک مستقل است پس از اینکه این نقطه نظر را پیدا کردیم دیگر چون خانه شخصی عایدی بآن شخص نمیدهد باید معاف باشد و خانههای اجاره چون عایدی میدهند باید مالیات بدهد اما این دلیل که آقای مشارالدوله فرمودند که اگر باین ترتیب باشد مال الاجاره زیاد خواهد شد و مستاجر خواهد داد بنده تصور میکنم در هر صورت اینطور هست بجهت اینکه اگر موجر بخواهد مالیاتی را که میدهد تعدیل بر مستاجر کند البته خواهد کرد در هر صورت این مالیات بطریق غیر مستقیم بر مستاجر تعدیل خواهد شد بنا بر این پیشنهادیکه آقایان کرده اند جاو تعدیل بر مستاجر گرفته نمی شود چه فرق میکند مالک دکان که مالیات میدهد دقیقاً این مالیات را روی مال الاجاره خواهد کشید و از مستاجر خواهد گرفت مستاجر دکان هم آنرا بر قیمت اوراق که میفروشد خواهد کشید و از بنده خواهد گرفت پس این نقطه نظر آقایان بنده تصدیق میکنم ولی در خصوص خانه مکرر عرض

نوشته اند که با املاک غیر منقول ساخته مالیات بسته شود این ماده این معنی را نمیرساند چنانکه عرض کردم در اینجا کارخانه جات و آسیاها و امثال آنها را حذف کردند و یک لفظ گنگی را (که لفظ و غیره باشد) و خودش باید تفسیر شود ذکر نمودند لهذا بنده در اینجا از نقطه نظر خود لفظ مستغلات را تفسیر کردم و این دو کلمه را هم در پیشنهاد خود نوشتم

سردار معظم مخبر - البته اگر ماده دوم را ملاحظه میفرمودند رفع اشکالات ایشان میشد و بازم عرض خود را تکرار میکنم که در ایران وقتی میگویند مستقل معلوم می شود که مقصود چیست و محتاج بتفسیر نخواهد بود

رئیس - باید رای بگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای وحید الملک نه در تماش بلکه در آن قسمتی که لفظ مستقل را تفسیر کردند رای میگیریم به پیشنهاد آقای وحید الملک که لفظ مستقل را باملاک غیر منقول ساخته تفسیر میکند - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم

(بضمون فوق قرائت شد)

مخبر - بازم تکرار میکنم که پیشنهاد آقای مدرس برخلاف اساس این قانون است ما میگوئیم به تمام املاک مستقل و خانه وقتیکه با اجازه میروند بفرمایند خانه با دکان چه فرق دارد اگر از نقطه نظر معاش است ممکن است دکان هم یک مستغلی باشد که محل معاش بنده باشد اگر خیر اساس این قانون بر این است که شخصی اراده عایدی مستقل باید مالیات بدهد دیگر بنده نمیدانم آقا چه ایرادی دارند و از چه نقطه نظر این پیشنهاد را میفرمایند

مدرس - گویا درست عرضی که آنوقت بنده کردم انفات و توجه فرمودند بنده دوجهت عرض کردم و هیچ کدام را جواب فرمودند یکی اینکه گفتم این ماده اطلاق دارد و شاید کسی یک اطاق در خانه اش دارد اجازه میدهد این مطلب را جواب ندادند و یکی دیگر عرض کردم مواد این مستقل در مملکت ایران نادراست و مالیات بر مواد نادر وضع کردن زحمتی زیادتر از عایدی آن است بلی شاید پنججاه صد سال دیگر خانه اجازه در این مملکت زیاد شود ولی در این زمانها منحصر است بیکی دوشهر پس چون موضوع آن کم و نادراست بر موضوع نادر مالیات وضع کردن که اداره مالیات تأسیس شود و بهر جائی مأمور برود زحمتش زیاد تر از نفعش خواهد بود و صدمه آن صومیت پیدا خواهد کرد حالا خوبست یک قسمتی جواب بفرمایند که آن اشکال اول دفع بود و معلوم شود فائده آن چقدر است و همینطور جوابی برای اشکال دوم که در موضوع نادر مالیات وضع کردن باشد بدهند که بدانیم از روی چه فلسفه است چنانچه عرض کردم شاید بعد از این در شهرها خانه اجازه زیاد شود و الا این ترتیب مطابق با فلسفه نیست

مخبر - تصور میکنم هیچ یک از این اشکالها وارد نباشد اما اینکه میفرمایند این قانون بطور

مطلق نوشته شده است و ممکن است يك كسى خانه داشته باشد که در وقت اجاره بدهد مرض ميکنم در اين مواد هيچ كس مانع نخواهد بود و اگر ملاحظه موارد استثناء را در ماده ششم پفرماند معلوم خواهد شد که اين برادر را بنجا وارد نيسند و اما اينکه مقررمانند که موارد اين ماليات نادرست مرض ميکنم راست است اگر بناي اين قانون و اين ماليات گذاري ما فقط خانه های اجاره بوده بنده هم با آقا موافق بودم و هيچ ازومي نداشتم اين قانون بيجلس بياید بواسطه اين که عايدات آن يك چيز قلمی ميشد ولی مورد اين ماليات منحصراً بخانه های اجاره نيسند و منابع مقدار ديگری دارد من جمله خانه های که اجاره داده ميشود و آقا مقررمانند حکم است بسيار خوب اگر دولت اين عايدات را اولی کم باشد بگيرد چه ضرر خواهد داشت ذره ذره وقتي جمع شد زياد ميشود علاوه ماشاا که کردن ماليات بر خانه های اجاره آن نقطه نظر مهم را که نظر مساوات است در وضع اين قانون مراعات کرده ايم ما گفته ايم از عايدات املاک مستفل هر چه باشد يك سهمی بعنوان ماليات می گيريم پس وقتی که ما اين نظر را داشته باشيم آنوقت اين دليل حضرتعالی بهيچوجه متقن نخواهد بود و در اين صورت نمی شود مجلس را مجبور کرد باین پیشنهاد رای بدهد .

رئيس - رای می گيريم بقبال توجه بودن اصلاح آقای مدرس - آقایان بیکه اين اصلاح را قابل توجه ميدانند قيام قيام نمودند .

رئيس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای مبرزالملك قرائت ميشود .

بمضمون ذيل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم طاحونه ها و کارخانه ها هم در ماده اول اضافه شود .

سردار معظم - بعضی اطلاع عرض ميکنم که نه اين بود که طاحونه ها در نظر کميسیون نبوده است ولی چون طاحونه ها مستغلات نيسند که اغلب در خارج از شهرها و قصبات عمده واقع است اگر مادر اين لايحه طاحونه ها را اسم ميبردیم يك ضرری عايد دولت ميشد زیرا فعلاً اغلب طواحين در جزه املاک ماليات ميشوند و ماليات شان هم خیلی زياد است و از قرار صدي ده ميشوند پس برای اينکه اين خسارت بدولت داده نشود مخصوصاً از طواحين اسمی برده نشده اما کارنجات را که فرمودند کارخانجات بآن معنی که در ساير جاها است ما نداريم بجهت اينکه هر نوع کارخانه داشته باشيم در يك معنی واقع است ياد کاروانسرا است ياد کان است علی ای حال در هر نقطه باشد در اين قانون ذکر شده است خود اهل صنعت سکه ماليات نميدهند اين ماليات صنعتی نيسند بلکه از عايدات آن محل و مسکن اين ماليات گرفته ميشود و اغلب کارخانها در کاروانسرا است که اين قانون شامل حال آنها شده و اينکه مخصوصاً ذکر از آنها نکردیم باینجهت بود که ترسيم اگر اسم کارخانجات را ببريم و در موقع کارخانه جانی تا بسيس کنیم آنوقت يك اشتباهی ما بين ماليات اضافی که داريم با ماليات مستغلات بشود و با يك ديگر مخلوط شود باینجهت از ذکر اين کلمه صرف نظر شد .

مبصر الملك - بنده در باب طواحين با آقای سردار معظم موافق هستم و در اين قسمت پیشنهاد

خودم رايس ميگيرم ولی در باب کارخانجات بهيچوجه موافق نيستم بلاحظه اينکه خیلی کارخانجات است که در حال احداث شدن است از قبيل کارخانجات برق و بنبه که مفصل دائر ميشود و آنها بهيچوجه ماليات نميدهند در صورتیکه نظر بيايدی گرافیکه ميبرند بايد يك مالياتی هم بدهند پس بقميده بنده کارخانجات حتماً بايد اضافه شود .

رئيس - طاحونه رايس ميگيرند

مخبر - دو باره تکرار ميکنم اولاً کارخانه چراغ برق که مقررمانند دولت است يکی در طهران و يکی در مشهد که مال آستانه مقدسه است اما کارخانه بنبه و کارخانجات ديگر را مقررمانند البته تصديق خواهند فرمود که آنها اغلب در کاروانسرا است اين قانون شامل حال آنها شده و مطابق اين قانون بايد ماليات بدهند .

رئيس - رای ميگيريم در اصلاح آقای مناصر - الملك آقایان بیکه اصلاح ايشان را قابل توجه ميدانند قيام قيام نمودند .

(عده قليلی قيام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای ميرزا محمدعليخان قرائت ميشود .

(بمضمون ذيل قرائت شد)

بنده پیشنهاد ميکنم ماده اول قانون مستغلات آن طور نوشته شود

برای کليه مستغلات خانه ها بیکه زياد از صيده ذرع مساحت دارد و مغازه ها و دکا کين و رانبار ها و کاروانسرا ها هماخانها نايش گاه ها بخيال ها فقه و خانها در کليه شهرها و قصبات عمده ماليات مستغلات برقرار شود

رئيس - بنده گمان ميکنم باین پیشنهاد نتوانستم رای ميگيريم برای آنکه يك قسمت آن همان پیشنهاد آقای مشارالوله است و يك قسمتش را جمع بستن نيات است که در ماده ششم ميباید فقط چيزيکه بتوانيم در آن رای ميگيريم همان طاحونه است

مخبر - طاحونه و کارخانه هم که رد شد

رئيس - کارخانه رد شد طاحونه را پس گرفتند .

ميرزا محمد عليخان - بنده هم پیشنهاد خودم را مسترد ميکنم .

رئيس - بسيار خوب مسترد ميکنند - چون ساعت از شب گذشته اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم ميکنيم و جلسه آتیه را بش ۲۴ موکول ميکنيم .

سليمان ميرزا - بنده گمان ميکنم پیشنهاد آقای حاج ميرالملك راجع بباليه همانظوری که در اول جلسه آقای رئيس اهميت آن را خاطر نشان فرمودند خیلی مهم است و ممکن است چنانکه در بدو امر فرمودند همین امشب نيم ساعتی يا يک ربع کميسیون قوانين ماليه منعقد بشود و راپورت آن نيه بشود و بيجلس بياید بواسطه اينکه وزارت ماليه فعلاً نه وزير دارد و نه معاون اگر کميسیون ۳ نفری هم نباشد هر روز ما يك ضرری ميکنيم فعلاً يكساعت و نيم تا وقت - سحر وقت داريم در اين ساعت ديگر هم اين قانون تصويب شود که لا اقل ماليه تا آن وقتی که ترتيبی بيادا ميکنند يك مسئولی داشته باشد جلسه هلنی هم که ميروند تا هفته ديگر .

رئيس - گمان ميکنم در اين باب مانعی نباشد بجهت اينکه از يك جا می خواهش شده است که آقایان بقدر نيه مساهت در اينجا تشریف داشته باشند در اينصورت چون تشریف دارنممكن است که سيون قوانين ماليه هم منعقد شود و بيشهاد آقای حاج ميرالملك رسيدگی کنند و بعد بيجلس بياورند و رای ميگيريم .

سردار معظم - کميسیون قوانين ماليه هم حاضر است - همین امشب منعقد شود و راپورت را حاضر کند .

رئيس - پس تنفس داده ميشود .

(در اين موقع تنفس شده و پس از يكساعت مجدداً جلسه تشکيل گرديد .

رئيس - راپورت کميسیون قوانين ماليه راجع به طرح آقای حاج ميرالملك قرائت ميشود (بمضمون ذيل قرائت شد)

نظر باینکه مدت مأموريت کميسیون تقنين ماليه منقضی شده و تا تشکيلات کميسیون تطبيق حوالجات لازم است هيئت از طرف مجلس شورای ملی نظارت در پرداخت کليه مخارج مملکتی داشته باشد لهذا اين بنده ماده واحده ذيل را پيشهاد مجلس شورای ملی نموده و تقاضای فوريت آنرا مينمايم .

ماده واحده - از تاريخ يازدهم سرطان توشقان نيل سنه ۱۳۲۳ کميسیون نظارت و تقنين ماليه با حدود اختيارات قانون مصوب ۲۸ حوت پارس نيل ۱۳۲۳ کافی السابق تا مدت يکماه برقرار خواهد بود پس از آنکه کميسیون تطبيق حوالجات مطابق قانون تشکيلات ماليه انتخاب گرديد - اين کميسیون منحل خواهد شد .

رئيس - در اين ماده مغالطی هست يا نيسند مخالفت نشد - رای ميگيريم بماده واحده آقایان بیکه اين ماده را تصويب ميکنند نمانند .

(اغلب قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد - جلسه آتیه اگر مغالطی نباشد ميمانم برای شب ۲۵ برای معرفی هيئت وزرا هم تا فردا يا هر موقعی که مقتضی باشد به آقایان اطلاع داده ميشود چون جلسه فوق العاده لازم خواهد شد و قبل از شب ۲۵ منعقد خواهد شد دستور شب ۲۵ قانون مستغلات وسه فقره اعتبارنامه های آقایان قوام الدوله و آقا شيخ ابراهيم زنجانی و صدرالاسلام خواهد بود .

(مجلس شش ساعت و نيم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۸

صورت مجلس روز چهارشنبه بيست و دوم شهر رمضان ۱۳۲۳

مجلس يك ساعت و نيم قبل از غروب در تحت رياست آقای مؤمن الملك تشکيل و صورت مجلس شب هجدهم قرائت شد .

رئيس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند يا خير ؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی نيسند و صورت مجلس تصويب شد چنانچه در صورت مجلس قرائت شد بنا بر شيبست و پنجم جلسه داشته باشيم و بطوری که اينجا نوشته شده گفته شد که اگر جلسه فوق العاده لازم شود با آقایان مرض خواهد شد اين بود که امروز با آقایان خبر دادم تشریف بياورند و واقع گذشته خیلی است که البته آقایان مطلع هستند و خلاصه آن

تشریف فرمائی آقای مستوفی الممالک در مجلس برای معرفی است .

مستوفی الممالک - اهل حضرت اقدس شهرباری تشکيل هيئت وزرا را بعهده بنده معمول فرمودند و انشاءالله برای چهارروز ديگر وزراء را در مجلس مقدس معرفی خواهم کرد .

رئيس - بنده گمان ميکنم از طرف مجلس مجاز باشد که از آقای مستوفی الممالک اظهار امتنان بکنم برای اينکه در اين موقع مشکل و مهم از کار مضایقه نکنند و تشکيل کابينه را قبول فرمودند و اينکه مرض ميکنم (موقع مشکل مهم) البته اوضاع مملکت و موقعی که داريم معلوم است و محتاج به تذکار و شرح و بيان نيسند و اگر چند فقره از آنها را عرض کردم گویا کافی خواهد بود اولاً در اينصورت يك ماه و نيم که کابينه نبود کارها متراکم شده و اصلاح تمام اين امور متراکم که خودش يك کار مهمی است تا نيم از طرف ديگر امور ماليات سابقاً يك ترتيب داشت قانون جديدی که از مجلس گذشته هنوز بوقت اجرا گذاشته نشده در حالی که امروز موقع گرفتن ماليات است و در واقع هيئت سکه سرکار می آيند يك کار بزرگی در ترتيب مالياتی و تأسيس درائر جديدی که در قانون تشکيلات ماليه مقرر شده خواهند داشت مطلب ديگر اينکه قوای تأميين مملکت که در هدرت و زحمت است و بايد يك فکری هم برای قوای ژاندارمری و پليس کرد چنانچه عرض کردم مشکلات زياد است ولی ذکر تمام آنها لازم نيسند خلاصه اش همین بود که مرض کردم حالا توفيقه ما از آقای مستوفی الممالک و هيئت وزراء داريم اين است که تمام مشکلات را رفع بکنند ولی گمان ميکنم ايشان هم يك توفقی از ما داشته باشند هر چند تکليف بنده نيسند آن توقع را عرض کنم ولی تفاوت نميکنم و قبل وزير در مملکت مشروطه با هم فرقی ندارد - گمان ميکنم توقع ايشان اين باشد که اول ما يك عطف نظری باین يكماهه نيم گذشته بکنيم و اين وقايع را در نظر داشته باشيم که انشاءالله حوری نشود که بدمه امر دوماه سه ماهی يك هيئت وزارت جديدی روی کار بيايد و يك توقع ديگر ايشان هم گویا اين باشد که باتفاق و مساعدتی که از طرف مجلس ايشان و کابينه ايشان ميشود امورات را اصلاح کنند البته ما هم چنانچه در اينجا باتفاق تمايلات خودمان را نسبت برياست وزارتی ايشان اظهار کرديم همان طور هم کمال همراهی را با ايشان خواهيم کرد معلوم است هر کس مقصودش اصلاح امور ماليه و قوای تأميينه باشد هر کس باشد (بشرط آنکه از خودمان باشد) بياو همراهی خواهيم کرد چون آقای مستوفی الممالک دفعه اول نيسند که اين مقام را قبول نمودند کابينه را تشکيل ميبندند بلکه تا اکنون امتحانات زيادی داده اند و ميانم يك جدیت و صميميت و دلسوزی مخصوصی برای اصلاح امور دارند و ميتوانم اطمینان بدهم که ما هم کمال مساعدت و همراهی را با ايشان خواهيم داشت

رئيس الوزراء - بنده کمال تشکر را از بياناتی که آقای رئيس از طرف نمايندگان محترم فرمودند دارم و از اظهار ملاطفت و حق شناسی که راجع به بنده از قبول اين خدمت فرمودند نهايت تشکر را نموده عرض ميکنم اين يك خدمت فوق العاده

نيسند بلکه در موقع تشکر هر شخص ایرانی بايد بوظيفه ايرانيت خودش حاضر شود و نسبت بخانه و مملکت خودش خدمت بکند و از يك چيز خیلی خوشوقتند آن اظهاری بود که آقای رئيس راجع به مشکلات موقع فرمودند و همچنين از اينکه نمايندگان محترم از قراریکه صدای ايشان بگوش بنده رسيد تصديق فرمودند باین نيات مشغولم و خیلی اسباب ايميداری است و البته توفیقی که از طرف مجلس شورای ملی در امورات بايد بشود (با شناسائی بحال و اوضاع مملکت) خواهد شد و بنده را اميدوار ميسازد که يك اندازه موفقتی در خدمت باین آب و خاک که تصود بنده است حاصل بکنم و پس از فرمايشان بیکه آقای رئيس در واقع از طرف بنده فرمودند ديگر لازم نميدانم در اينباب عرض بکنم و در حقيقت آن مقصودی را که بنده در قلب داشتم و ميخواستم اظهار کنم ايشان از طرف بنده اظهار فرمودند و نهايت ايميداری را که در آنچه راجع باصلاح مملکت و منافع اين آب و خاک است آقایان نمايندگان همه نوع مساعدت های لازمه را در موقع خواهند کرد بنده هم اطمینان ميبدم که تا آخرين درجه همراهی نموده و از خدمت فروگذار نمی خواهم کرد ديگر موفقت بسته بخداست است بخواست خدا و مراحم شاهان و تقويت آقایان و کلاسات

رئيس - چون جلسه برای شب بيست و پنجم معين شده و قانون مستغلات هم جزو دستور است اگر مغالطی نباشد جلسه را ختم ميکنيم و جلسه بعد هم چنانچه مقرر شد دو ساعت و نيم از شب گذشته خواهد بود .

(مجلس يكساعت بفرود مانده ختم شد)

جلسه ۵۹

صورت مشروح مجلس شب شنبه بيست و پنجم رمضان ۱۳۲۳

مجلس سه ساعت از شب گذشته در تحت رياست آقای مؤمن الملك تشکيل و صورت مجلس روز چهار شنبه بيست و دوم قرائت شد .

قائمين بدون اجازه : آقایان حاج سيد اسدالله حاج شيخ اسمعيل - آقا سيدفاضل - ناصرالاسلام - قائمين با اجازه : آقایان حاج امام جمعه - خان بابا خان - دکتر حسينقلی خان - حاج شيخ محمد حسين استرآبادی .

رئيس - آقایان در صورت مجلس ايرادی دارند يا خير ؟ (اظهاری نشد) .

ملاحظاتی نيسند - صورت مجلس تصويب شد .

دستور امشب رسيدگی با اعتبارنامه های آقایان قوام الدوله و آقا شيخ ابراهيم زنجانی و بعد شوردر بقیه قانون مستغلات ميباشد در خاطر آقایان هست که در جلسه قبل عرض شد اگر شنبه تا امشب راپورتش راندهم خود مجلس رسيدگی خواهد کرد راپورتی را که شنبه نوشته نوشته هنوز با مضامین مغير نرسيد است اگر تصويب ميفرماييد همان راپورتی را که منشی امضا کرده است قرائت ميشود و رای ميگيريم گفته شد صحيح است آقای حاج ميرزا اسدالله خان تاريخ آن راپورت چيست ؟

حاج ميرزا اسدالله خان - تاريخ آن سلیخ شعبان است .

رئيس - پس راپورت راجع به با اعتبارنامه آقای قوام الدوله مقدم تر است زیرا تاريخ آن

هيجدم شعبان است اول در آن رای ميگيريم آقای وقار السلطنه راجع با اعتبار نامه آقای قوام الدوله مغالطی داشيد ؟

وقار السلطنه - مغالطه بنده در اعتبارنامه آقای قوام الدوله از اينجهت است که در اين راپورت نوشته شده چون آقا سيد عباس يکی از اشخاص بوده که رای داشته است و باین نظر تصديق او در موضوع اين شکايت مسموع و قبول نشده است بنده ميخواستم عرض کنم که دليل بر رد شکايت و قبول نشدن تصديق او اگر فقط داشتن رای بوده است که اين دليل بر رد شکايت نيشود و اگر دليل ديگر داشته خواستم بيستم دليلش چيست .

رئيس - آقای ملک الشرايع مغير هستند ؟

ملک الشرايع - در اين خصوص تبلي سبب گي شد هيئت نظارت جمع آباد ميگویند ما در اين باب تعقيبات کاملی کرده ايم يکی دوتفرم بآن تقاطعی که شکايت از آنجا رسيد فرستاده ايم و تعقيقاتی کرده اند خودمانهم تعقيقاتی که کرده ايم اينطور بوده است که اين شکايات ماخذ صحيحی نداشتند علاوه آن کسی که اين شکايت را تصديق کرده است خود او چهارصد يانصد رای داشته است و اين هم تايد تعقيقاتی را که خودمان کرده ايم ميکنند اين يك شکايت بوده که انجمن نظار اينطور جواب ميبدهد يك شکايت ديگر هم با عملی خط و همان امضاء رسيد بود ولی خیلی دير تر تفریباً بکدام و ده روز بعد از ختم انتخابات رسيد و بعد از مدت قانونی حق شکايت بوده باین مناسبت شکايت دومی بهيچوجه مورد اعتناء واقع نشد شکايت اولی را هم بمناسبت تعقيقاتی که انجمن نظار ميگويد کرده ايم و نظر باینکه تصديق کننده شکايت هم در آنجا مبلغی رای داشته شنبه اهميتی بآن ندارد شکايت ديگر هم نبود اين دو شکايت هم يکی باین دليل که عرض شد و ديگری بواسطه اينکه دير رسيد بود و قانونی نبود و محل توجه واقع نشد و شنبه بصحت اين انتخاب رای داد .

حاج شيخ محمد حسن گروسی - در اينجا بنویم که آقای وقار السلطنه فرمودند تعليل کرده اند رد شکايت را به تصديق آقا سيد عباس و ميگویند که چون آقا سيد عباس خودش صاحب رای بوده است تصديق او دليل بر رد آن شکايات ميشود بنده عرض ميکنم صاحب رای بودن اگر دليل بر وجهت شخص نباشد نيشود آنرا دليل بر وقاحت قرارداد لهذا دوهر کاری مجرد فی نفع بودن را از موجبات و توأزم جرح شاهه و مصدق نيشود شرد از قرار تفرير بیکه آقای مخبر حالا فرمودند شنبه اعتمادش را بطرف آنچه انجمن نظار تعقيب کرده نموده و راپورت شنبه تفرير همان ترتيبی است که در انجمن نظارت شده است نه اينکه بالغضوص خواهيم شنبه شنبه تعقيباتی نوده و بصحت و قسم اين شکايت رسيدگی کرده باشند لهذا اين علنی را که برای رد شکايت در اينجا ذکر شده بی شبهه ميشود گفت که دال بر خلاف مقصود ميباشد .

معدل الدوله - اين اعتبارنامه وقتیکه بشعبه آمد در آن نظر کرديم ديديم صورت مجلس باین تفصيل و اين ترتيب تا اکنون بيجلس نيامده است بلاحظه اينکه تمام اوقات ساعات و روز تنفس و مراقبت در کاروا قيد کرده و صورت مجلس خیلی